

## اشتغال زنان در افغانستان؛ ضرورت‌ها، آسیب‌ها،

### شرایط و راه‌کارها

داکتر محمد آصف محسنی\*

#### چکیده

از مهم‌ترین مسائلی که پس از تحولات جدید در افغانستان مطرح شده، اشتغال زنان است. اشتغال زنان در صورت فراهم‌بودن شرایط، علاوه بر این که پشتوانه شرعی و قانونی دارد، از ضرورت‌های ملی و بین‌المللی نیز به‌شمار می‌رود. اشتغال زنان نه تنها در افزایش رفاه اقتصادی خانواده مؤثر است؛ بلکه در توسعه همه‌جانبه ملی نیز نقش تعیین‌کننده دارد. در کشور به‌شدت فقیر و جنگ‌زده افغانستان، که زنان سرپرستی ده‌ها هزار خانواده فقیر را به عهده دارند و جامعه در ابعاد مختلف آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و غیره، نیازمند مشارکت فعال زنان می‌باشد، اشتغال زنان از ضرورت مضاعف برخوردار است. به علاوه، کشورهای غربی که تمویل‌کننده و جهت‌دهنده دولت افغانستان هستند، توسعه و بهبود جندر را پیش‌شرط کمک‌های خود به افغانستان می‌دانند.

البته ضرورت‌های اشتغال نباید ما را از آسیب‌ها و پیامدهای ویرانگر آن و هم‌چنین از اولویت‌داشتن اشتغال مردان، به‌عنوان نان‌آوران خانواده، غافل کند.

\* دکترای فلسفه تعلیم و تربیت و فارغ‌التحصیل سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه.

اشتغال زنان معمولاً با یک سلسله آسیب‌هایی همراه است؛ اما در کشور جنگ‌زده و به‌شدت وابسته افغانستان، این آسیب‌ها بسیار بیش‌تر نیز هستند. سردی روابط زناشویی و تزلزل خانواده، محرومیت فرزندان از عطف و تربیت مادری، به تأخیر افتادن ازدواج و فرزندآوری، فشارهای طاقت‌فرسای اشتغال بر زنان شاغل، مشکلات شدید امنیتی، اضطراب‌های روحی و روانی زنان شاغل، سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی از آنان در محل کار و غیره، از مهم‌ترین آسیب‌هایی‌اند که جامعه اسلامی افغانستان را از ناحیه اشتغال زنان تهدید می‌کنند.

با توجه به آسیب‌هایی که اشتغال زنان به همراه دارد، اسلام و قوانین افغانستان که بر اساس آموزه‌های اسلامی تدوین شده‌اند، یک سلسله شرایط و محدودیت‌هایی را برای اشتغال زنان در نظر گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها، توجه به ارزش‌های دینی و کرامت انسانی زنان، خانواده‌محوری، تناسب‌محوری و پرهیز از اختلاط است. مهم‌ترین راه‌کار کاهش آسیب‌های اشتغال زنان، اصلاح فرهنگ اشتغال با توجه به ارزش‌های اسلامی، واقعیت‌های اجتماعی و مبارزه با تعرضات فرهنگی است که نخبگان و عالمان دینی باید در این جهت پیش‌گام باشند. دولت علاوه بر فعالیتهای فرهنگی، وظیفه دارد که با وضع قوانین و اتخاذ اقدامات اجرایی و نظارتی لازم، مشکلات امنیتی زنان شاغل را حل نموده و جلو سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی انجوها و باندهای مافیایی را بگیرد. عالمان دینی و متدینین نیز علاوه بر بیان و تبلیغ احکام شرعی اشتغال زنان، باید با اتخاذ موضع فعال، نظارت اجتماعی و فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر را احیا نمایند. اشتغال نیمه‌وقت و فراهم‌ساختن زمینه اشتغال در درون خانه‌ها، هم‌چنین توجه شایسته به ارزش‌های معنوی و اقتصادی کارهای زنان در خانه و نقش غیرمستقیم آنان در توسعه، در جهت حل مشکلات و کاهش آسیب‌های اشتغال زنان، مؤثر است.

واژگان کلیدی: اشتغال، زنان، اسلام، ضرورت‌ها، شرایط، آسیب‌ها و راه‌کارها.

## مقدمه

کسب و کار که از آن به «اشتغال» یاد می‌شود، از مهم‌ترین دغدغه‌های افراد بشر به‌شمار می‌رود. این دغدغه که در گذشته بیش‌تر ذهن مردان را به‌خود مشغول ساخته بود، امروزه برای زنان نیز به یک نگرانی جدی تبدیل شده است. در کشورهای صنعتی و سکولار، که فردگرایی و رفاه مادی بیش‌ترین اهمیت را حایز است، زنان به‌صورت خواسته یا نخواستۀ، به‌سوی اشتغال‌محوری و تشابه‌محوری سوق داده شده‌اند. شرکت‌ها و کارتل‌های اقتصادی به‌دلیل نیاز به کارگران ارزان و مطیع، جریان‌های فمینیستی برای رساندن زنان به قدرت و ثروت و احزاب سیاسی برای جلب رضایت زنان و به‌دست‌آوردن آراء تعیین‌کننده آنان، چنان از «اشتغال زنان» دم می‌زنند و بر اهمیت آن تأکید دارند، که آن را تنها راه نجات و فلاح زنان قلمداد می‌کنند.

به‌دلیل نفوذ و شیوع اندیشه‌های غربی در کشورهای جهان سوم، از جمله کشور اسلامی افغانستان، اینک در این کشور نیز بحث «اشتغال زنان» از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین بحث‌های روز به‌شمار می‌رود. عده‌ای با معیار قراردادن کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین‌المللی امضاءشده توسط دولت افغانستان، بر اشتغال‌محوری و برابری کامل زن و مرد در عرصه‌های مختلف، از جمله عرصه اشتغال، تأکید دارند. در نقطه مقابل، طالبانیسم کار زنان در بیرون از خانه را، جز در موارد استثنایی، حرام می‌دانند و خواستار خانه‌نشینی زنان هستند. این دو رویکرد افراطی و تفریطی، مشکلات بسیار جدی را برای جامعه؛ به‌خصوص بانوان کشور به‌بار آورده است. با توجه به این‌که نظام حاکم بر افغانستان جمهوری اسلامی است و اکثر قریب به اتفاق مردم شریف این سرزمین نیز از باورمندی عمیق دینی برخوردار می‌باشند، از سوی دیگر با توجه به ضرورت‌های فردی، ملی و بین‌المللی که برای اشتغال زنان در افغانستان وجود دارد، ضروری است که به‌دور از افراط و تفریط و با در نظر داشت احکام شرعی و قوانین افغانستان از سویی و ضرورت‌های ملی و بین‌المللی از سوی دیگر، این مسأله را مورد بررسی دقیق و منصفانه قرار دهیم.

برای بررسی منصفانه و واقع‌بینانه این موضوع، باید به سؤال‌های ذیل پاسخ گفت: اشتغال زنان چه جایگاهی در اسلام و قوانین افغانستان دارد؟ مهم‌ترین شرایط و محدودیت‌های اشتغال زنان در اسلام و قوانین افغانستان چیست؟ چه ضرورت‌های فردی، خانوادگی، ملی یا بین‌المللی اشتغال زنان را ایجاد می‌کنند؟ اشتغال زنان در افغانستان چه آسیب‌ها و پیامدهای منفی به دنبال دارد؟ و چه راه‌کارهایی را می‌توان برای این مشکلات و آسیب‌ها پیشنهاد کرد؟ پاسخ‌گفتن به هریک از پرسش‌های فوق، نیازمند تحقیق مستقل است؛ لیکن در نوشتاری که پیش رو دارید، سعی شده است به‌صورت مختصر و در حد ظرفیت یک مقاله، به این پرسش‌ها پاسخ داده شود.

## ۱. اشتغال زنان در اسلام

شغل عبارت است از مجموعه اعمال و فعالیت‌های فکری یا بدنی که افراد به‌منظور تأمین یک رشته اهداف مادی و معنوی در زندگی، به‌صورت مداوم و معمولاً در ساعات تعیین‌شده و با ضوابط مشخص، اکثراً در بیرون از خانه انجام می‌دهند، که در آن حق و تکلیف به‌صورت توأمان وجود دارند.<sup>۱</sup>

دین مبین اسلام، که قایل به آبادانی و استفاده بهینه از نعمت‌های مادی و معنوی است و با رهبانیت به‌شدت سرسختی دارد، نگاه مثبت نسبت به کار و اشتغال زنان دارد. از افتخارات دین مبین اسلام این است که در اوج جاهلیت و در دورانی که اکثر ملت‌ها به زن به دیده کالا می‌نگریستند، از شخصیت انسانی و حقوق زن در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، آموزشی، اقتصادی و غیره، دفاع نمود. از منظر اسلامی، اصل بر جواز اشتغال زنان است. کتاب، سنت و سیره رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) گویای آن است که زنان - در صورتی که شرایط و محدودیت‌های اشتغال در اسلام را رعایت کنند - می‌توانند شغلی را در بیرون از خانه برای

۱. برای اشتغال در فرهنگ‌های لغت، معانی متعدد بیان شده است. هم‌چنین در اصطلاح معانی گوناگونی برای آن ذکر شده است که پرداختن به آن‌ها در این نوشتار ضروری به‌نظر نمی‌رسد؛ از این‌رو، در این نوشتار به همان معنای عرفی اشتغال که در ذهن همگان خطور می‌کند، بسنده شده و از پرداختن به تعریف‌های پرحاشیه اجتناب شده است. برای مطالعه بیشتر در باره معانی اشتغال، رک به: توسلی، ۱۳۷۵: ۱۸۱-۱۸۰؛ نیکوبرش‌راد، ۱۳۸۵: ۱۹۳؛ وائق، ۱۳۸۹: ۳۲۲-۳۴۱.

خویش انتخاب کنند؛ از این رو، اشتغال زنان فی حد ذاته حرام نیست؛ ولی چنانچه شرایطی پیش آید که مصالح و بنیاد خانواده یا مصلحت‌های مهم‌تر دیگر به مخاطره افتد، در این شرایط خاص، اشتغال زن جایز نخواهد بود (صداقت، ۱۳۹۰: ۳۷۲).

قرآن کریم به روشنی بر اصل جواز کسب و کار توسط زن تصریح دارد: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ»<sup>۱</sup>. راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن کریم می‌نویسد: «کلمه اکتساب در به‌دست‌آوردن فایده استعمال می‌شود که انسان خود از آن استفاده کند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۷۰۹). صاحب تفسیر تسنیم در این زمینه می‌نویسد: «باید عنایت داشت که قرآن کریم هر جا بر اهمیت یک امر مشترک میان زن و مرد تأکید دارد، آن را برای هریک جداگانه ذکر می‌کند. در بسیاری از موارد، قرآن امر مشترک میان مرد و زن را با یک عبارت بیان می‌کند؛ اما در نمونه‌های برجسته برای هریک عبارت ویژه می‌آورد. از این جا می‌توان دریافت که آزادی کسب و کار از اهمیت به‌سزا بهره دارد و اگر نه خداوند می‌فرمود: «لکل نصیب مما اکتسب» (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۹۲-۱۹۳).

از دیگر آیاتی که بر جواز اشتغال زنان در بیرون از خانه دلالت دارد، آیه ۲۳ سوره قصص می‌باشد که داستان چوپانی دختران حضرت شعیب<sup>(ع)</sup> را نقل می‌کند: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّهُ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ». با توجه به این که چوپانی از رایج‌ترین شغل‌های بیرون از خانه در آن زمان بوده و در زمان کنونی نیز چنین است، از این که دختران پیامبر خدا به این شغل مشغول بوده‌اند و قرآن کریم نیز آن را امضاء نموده است، می‌توان استفاده کرد که اشتغال زنان در بیرون از خانه جایز است. البته - چنان‌که در بحث شرایط اشتغال زنان بیان خواهد شد - از این داستان هم‌چنین استفاده می‌شود که اشتغال زنان شرایطی دارد که عدم اختلاط یکی از آنها است. علاوه بر دو آیه‌ای که ذکر گردید، از برخی آیات دیگر نیز می‌توان استظهار کرد که اصل اشتغال زنان - در صورت فراهم‌بودن شرایط - منعی شرعی ندارد.

۱. مردان را از آنچه به [اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند، بهره‌ای است (سوره نساء، آیه ۳۲).

علاوه بر آیات قرآن کریم، از برخی روایات نیز اصل جواز اشتغال زنان استفاده می‌شود. از باب نمونه: رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمة»<sup>۱</sup>. اطلاق حدیث، طلب مال حلال از راه کسب و کار را نیز شامل می‌شود. در جای دیگر آمده است: «انما رخص رسول الله للنساء العواتق فی الخروج العیدین للتعرض فی الرزق»<sup>۲</sup>. از آنجایی که دلیل می‌تواند تعمیم‌دهنده باشد، به نظر می‌رسد از دلیلی که برای جواز خروج ذکر شده است، یعنی طلب رزق، می‌توان استفاده کرد که عیدین مدخلیت ندارد و اشتغال زنان به منظور طلب رزق در ایام دیگر نیز جایز است.

علاوه بر دلایل قرآنی و روایی، اگر به کتاب‌های تاریخ اسلام و سیره نیز نگاه ببینیم، اشتغال زنان در عصر رسالت به شکل نسبتاً گسترده به چشم می‌خورد و در بسیاری از شغل‌های رایج آن زمان، زنان حضور دارند. صنایع دستی، نخ‌ریسی، پارچه‌بافی، تجارت، فروشندگی، پرستاری و خدمات اورژانسی، چوپانی و غیره، از جمله مشاغل زنان در عصر رسالت بوده‌اند و حضرت از این کارها نهی نفرموده؛ بلکه آن را در چارچوب احکام اسلام امضا فرموده است (سعیدزاده، ۱۳۷۴: ۱۴-۱۵).

از اصول مهم حاکم بر نظام حقوقی اسلام، به رسمیت شناختن اصل مالکیت زن است. از این اصل نیز می‌توان استفاده کرد که اشتغال زنان اشکال شرعی ندارد. در نظام حقوقی اسلام، زن حق کسب مال، انعقاد قرارداد، صلاحیت تملک و اداره اموال خود را دارد و اصل بر این است که هریک از زوجین می‌توانند هرگونه تصرفی را در اموال خود انجام دهند. شیخ طوسی در خصوص حق مالکیت و جواز تصرف استقلالی زن در اموال خویش می‌نویسد: «با بلوغ دختر و رشد او، اموالش تحویل او می‌گردد. او مجاز است که هر نوع تصرفی در آن اعمال کند، چه شوهر داشته باشد یا خیر. در صورت داشتن شوهر، نیز تصرف زن در اموال خودش نیاز به اذن شوهر ندارد» (طوسی، الخلاف، بی تا، ج ۳: ۲۸۶). اگر کسب و کار زنان جواز شرعی نداشته باشد، این اصل در موارد متعدد لغو خواهد بود.

۱. طلب روزی حلال بر هر زن و مرد مسلمان واجب است (بحارالانوار، ج ۱۰۰، باب «الحث علی الحلال»، ح ۳).

۲. رسول خدا (ص) به زنان جوان اجازه داد تا در مراسم عید فطر و قربان [از منازل خود] خارج شده، برای تهیه روزی بساط بگسترانند (بحارالانوار، ج ۹۰، باب اول، حدیث ۲۷).

اشتغال زنان در اسلام نه تنها جواز شرعی دارد؛ بلکه گاهی از تکالیف دینی نیز به حساب می‌آید؛ به‌عنوان مثال: گاهی جامعه به اشتغال و تخصص زنان برای برخی از شغل‌های ضروری؛ مانند مامایی، پرستاری، پزشکی، تعلیم و تربیت و غیره، نیازمند است. در این‌گونه موارد، زنان تکلیف شرعی دارند که جهت تأمین نیاز جامعه اسلامی این نیازمندی‌ها را برآورده سازند. در این‌گونه موارد، چون زنان به قصد ادای تکالیف دینی و رسالت‌های انسانی و اجتماعی خویش به اشتغال در بیرون از خانه می‌پردازند، در واقع تمام عمر خود را به عبادت سپری کرده‌اند؛ بنابراین، اگر نگاه جامع و متوازن به آموزه‌های انسان‌ساز اسلام داشته باشیم، به‌خوبی درمی‌یابیم که اسلام نه تنها در دوران جاهلیت قدیم، کرامت و حقوق زن را در عرصه‌های مختلف احیا نمود؛ بلکه در جهان امروز نیز نظام حقوقی اسلام به‌مراتب از دیگر نظام‌های حقوقی به نفع زنان و در جهت حمایت از آنان است؛ زیرا نظام حقوقی اسلام علاوه بر این‌که کاملاً متناسب با اقتضائات وجودی و ساختار تکوینی زن و مرد طراحی شده، به‌صورت بی‌سابقه از حقوق اقتصادی و مالی زنان دفاع کرده و فرصت‌های بزرگ‌تری را پیش روی آنان قرار داده است.

در واقع، اسلام اولاً، با اتخاذ موضع واقع‌بینانه و واقع‌گرایانه، نظام نقش‌ها و مسؤولیت‌ها را کاملاً عادلانه و متناسب با واقعیت‌ها تنظیم نموده و هرچیزی را در جایگاه شایسته خود قرار داده است؛ ثانیاً، در اسلام مبنا و معیار اصلی جواز اشتغال زنان، رعایت حق آنان و توجه به شخصیت انسانی آنان است، نه منافع اقتصادی. به همین دلیل، در نظام اقتصادی اسلام، هیچ‌کس و هیچ نهاد و شرکتی حق ندارد از زنان به‌عنوان نیروهای کار ارزان، کم‌توقع، آرام و ابزارهایی جهت کسب درآمد بیش‌تر استفاده کنند؛ در حالی‌که اشتغال زنان در غرب اولاً، تشابه‌محور و بی‌توجه نسبت به ظرفیت‌های متفاوت زن و مرد است؛ ثانیاً، افزایش مشارکت زنان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال؛ هرچند با شعار آزادی و دفاع از حقوق زنان صورت می‌گیرد؛ اما در واقع علت اصلی آن نیاز شدید جوامع صنعتی و شرکت‌های اقتصادی به نیروی کار مطیع و ارزان است، نه رعایت شخصیت و منزلت زنان.

از دیگر امتیازات بسیار مهم اشتغال زنان در نظام اقتصادی و حقوقی اسلام این است که

در این نظام مقدس، همزمان با به رسمیت شناختن حق کار زنان - در چارچوب مقررات اسلامی - استقلال مالی زنان نیز پیش‌بینی شده و به علاوه تکلیف پرداخت مخارج خانواده از عهده آنان برداشته شده است؛ لذا در نظام اقتصادی و حقوقی اسلام، زن در صورت عدم تمایل به اشتغال در بیرون از خانه، به لحاظ معیشت هیچ مشکلی نداشته و کاملاً مناسب شأن خودش تأمین می‌باشد و هرگاه بخواهد به اشتغال بیرونی روی آورد، می‌تواند مناسب‌ترین شغل را، که با کرامت انسانی و توانایی‌های طبیعی او سازگاری دارد، برای خویش انتخاب کند. در این نظام، زن مجبور نیست که به هرشغلی تن دردهد؛ بلکه آنان به دلیل فراغت داشتن از بار سنگین تأمین هزینه‌های زندگی، می‌توانند شغل‌هایی را انتخاب کنند که همزمان با کسب تجربه و نشاط در زندگی، به دانش و کمالات روحی آنان نیز کمک کند (حسنات، ۱۳۸۹: ۳۳۵)؛ در حالی که در نظام اقتصادی و حقوقی غرب، زن مجبور است مخارج زندگی خود را تأمین کند و در بسیاری از موارد، تأمین هزینه‌های سنگین بچه‌ها نیز به دوش زنان قرار می‌گیرد؛ زیرا به دلیل بالابودن آمار طلاق، آمار فرزندان نامشروع و غیره، این‌گونه فرزندان ناخواسته بر زنان تحمیل می‌شوند. به همین دلیل، زنان گاهی مجبور می‌شوند برای تأمین معاش خود و فرزندان، به کارهایی تن دهند که نه باب میل آنان است و نه با استعدادهای طبیعی و کرامت انسانی آنان سازگاری دارد.

## ۲. اشتغال زنان در قوانین افغانستان

در قوانین افغانستان جدید، به شیوه‌های متفاوت از حق کار زنان حمایت شده است که به چند نمونه آن اشاره خواهد شد. در ماده ۲۲ قانون اساسی آمده است: «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان - اعم از زن و مرد - در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند». در ماده ۴۸ قانون اساسی به جواز کار برای تمامی افراد تصریح شده است: «کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می‌باشد».



از اطلاق و کلیت مواد مذکور این نکته به دست می‌آید که کار برای زن مجاز دانسته شده و از این جهت بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. در قانون کار در ماده نهم، بند ۳ مقرر شده است: «در جمهوری اسلامی افغانستان انتخاب شغل، حرفه، مهارت و تخصص و نوع شغل مطابق رشته تحصیلی، علاقه، استعداد و آمادگی حرفوی طبق سند تقنینی مربوط آزاد می‌باشد». در ماده ۳۵ مقرر قانون منع خشونت علیه زنان آمده است: «شخصی که زن را از تعلیم، تحصیل، کار، دسترسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین مانع گردد، حسب احوال به حبس قصیر، که از شش ماه بیش تر نباشد، محکوم می‌گردد». بر اساس «اهداف توسعه هزاره (MDG)، دولت متعهد شده است که تا سال ۲۰۲۰م، حدود ۳۰ درصد از کارمندان ادرا ت دولتی را زنان تشکیل دهند» (ماهنامه حقوق بشر، ۱۳۸۷: ۶).

علاوه بر این که اشتغال زنان از نظر اسلام و قوانین افغانستان مورد حمایت قرار گرفته است، یک سلسله ضرورت‌های اجتماعی، ملی و بین‌المللی نیز وجود دارند که اشتغال زنان در افغانستان را به امر برگشت‌ناپذیر مبدل ساخته است. با توجه به این ضرورت‌ها، باید با تکیه بر اجتهاد پویا، نظام حقوقی و اقتصادی اسلام را بهتر درک کرد و به جای در پیش گرفتن سیاست بی‌نتیجه تحریم، با توجه به آموزه‌های اسلامی و قوانین افغانستان، برای اشتغال زنان برنامه‌ریزی‌های مناسب‌تر را انجام داد.

### ۳. ضرورت‌های اشتغال زنان در افغانستان

عوامل و فاکتورهای متعددی وجود دارد که فارغ از بحث جواز یا عدم جواز اشتغال زنان و یا هرگونه قضاوت ارزشی دیگر، ضرورت اشتغال زنان در افغانستان را به‌عنوان یک ضرورت اجتماعی ایجاب می‌کند و چشم‌پوشی از عوامل در مقام عمل امکان‌پذیر نیست.

#### ۳-۱. ضرورت اشتغال برای زنان سرپرست خانواده

در کشور فقیر افغانستان، که سال‌ها جنگ و ویرانی را تجربه کرده و آمار کشته‌شدگانی که نان‌آور خانواده بوده‌اند بسیار بالا است، اشتغال زنان نان‌آور و سرپرست خانواده امر

اجتناب‌ناپذیر به حساب می‌آید. در این کشور که به‌خاطر ضعف دولت، زنان و یتیمان بی‌سرپرست در بی‌پناهی کامل به‌سر می‌برند، آمار زنان نان‌آور بسیار بالا می‌باشد. تعداد زیادی از زنان شاغل در افغانستان به انگیزه تأمین مخارج خانواده و فرزندان یتیم خویش ناگزیراند تن به کارهای شاق و توان‌فرسای خارج از منزل بدهند. طبق آمارها، بیش از ۵۰۰۰۰ بیوه دوران جنگ تنها در کابل زندگی می‌کنند که هر یک به‌طور متوسط حمایت و سرپرستی شش نفر را به‌دوش دارند. این در حالی است که بر اساس آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر در سال ۱۳۸۸، تنها حدود ۱۱٪ زنان شاغل را بیوه‌زنان تشکیل می‌داده‌اند (<http://afghanistan.unifem.org>).

### ۲-۳. کمک به بهبودی وضع معیشت خانواده

در کشور فقیر و جنگ‌زده افغانستان، که از سویی اکثر مردان یا بی‌کارند و یا درآمد ناچیز دارند و از سوی دیگر هزینه زندگی بسیار بالا و خانواده‌ها نیز پرجمعیت‌اند، تأمین معیشت خانواده دشوار است؛ از این‌رو، عده‌ای از زنان با آن‌که سرپرست خانواده هم نیستند، برای تأمین نیازهای حداقلی اعضای خانواده و کمک به همسران‌شان، ناچاراند به اشتغال بیرون از خانه رو آورند؛ بنابراین، موضوع اشتغال زنان در افغانستان با دیگر کشورها، که دولت‌های کارآمد دارند و قادرند برای شهروندان خود شغل‌های مناسب و یا معیشت مناسب را تأمین کنند، بسیار متفاوت است. در افغانستان بسیاری از زنانی که از کارهای شاق در بیرون از خانه رنج می‌برند و علاقه‌ای هم به اشتغال ندارند؛ اما احتیاجات ضروری زندگی، آنان را به‌ناچار به کارهای طاقت‌فرسا وادار می‌سازد.

### ۳-۳. ضرورت‌های زندگی شهری

مهاجرت مردم از دهات به‌سوی شهرهای فاقد ظرفیت و امکانات شهری افغانستان، به‌سرعت رو به گسترش است و هرروز بر جمعیت شهرها افزوده می‌گردد. از سوی دیگر، زندگی شهری برای زنان نوعاً با محصورشدن در چهاردیواری تنگ خانه‌های شهری همراه است، که در افغانستان به‌دلیل نبود مراکز تفریحی کافی و امن، نبود برنامه‌های سازنده و

سرگرمی‌های سالم، ورود سیل‌آسای انواع رسانه و تأخر فرهنگی مردم، مشکلات زندگی شهری چندین برابر نیز هست؛ از این رو، برخی از زنان که کار خانگی کم‌تری دارند؛ مانند زنان مجرد یا زنانی که هنوز بچه‌دار نشده‌اند و در خانواده‌های کوچک نیز زندگی می‌کنند، برای فرار از محیط یک‌نواخت خانه، در پی اشتغال خارج از منزل برمی‌آیند، تا از این طریق به زندگی خود تنوع و تحرک بخشند و از عوارض جسمی و روانی زندگی یک‌نواخت در درون خانه نجات پیدا کنند. به عبارت دیگر، با آن‌که زنان طبیعتاً به کارهای درون خانه علاقه‌مندی بیشتر دارند و بسیاری از کارهای بیرونی با علایق و استعدادهای آنان سازگاری چندانی ندارد؛ اما گاهی فضای تنگ خانه‌های شهری و نبود برنامه‌های سالم و سرگرم‌کننده، موجب می‌شود که برخی از زنان بدون این‌که نیاز اقتصادی به کار داشته باشند، به‌سوی کارهای بیرون از خانه روی آورند. با توجه به آمارهای هشداردهندهٔ امراض روحی و روانی در کشور و از سوی دیگر نبود هیچ‌گونه مرکزی برای مشاوره و درمان، به‌نظر می‌رسد اشتغال زنان می‌تواند یکی از راه‌های فرار زنان از فشارهای روحی و روانی زندگی شهری باشد. البته، باید توجه داشت که تبلیغات شدید رسانه‌ای غرب و جریان‌های فمینیستی در ایجاد نیازهای روانی کاذب برای اشتغال بیرونی زنان و هم‌چنین ارائهٔ تصویر هولناک از خانه و خانه‌داری و ایجاد دلزدگی از خانه‌داری در زنان، نقش بسیار جدی دارد. به همین دلیل - چنان‌که در بخش آسیب‌ها بیان خواهد شد - برخی از زنان که برای تنوع‌طلبی و کاستن از فشارهای روحی - روانی به اشتغال رو می‌آورند، علاوه بر این‌که زمینهٔ اشتغال را از افراد حقیقتاً نیازمند به اشتغال سلب می‌کنند، خود نیز در عمل با مشکلات روحی - روانی بیش‌تر، روبه‌رو می‌شوند.

#### ۴-۳. ضرورت اشتغال برای زنان متخصص

در سال‌های اخیر، تعداد محصلان و فارغ‌التحصیلان دختر دوره‌های تحصیلات عالی رو به افزایش است؛ به‌گونه‌ای که آمار دختران شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی هرروز به آمار محصلان پسر نزدیک‌تر می‌شود و پیش‌بینی می‌گردد که در آیندهٔ نزدیک از آنان پیشی نیز بگیرد؛ چنان‌که در دوره‌های ابتدایی و لیسه، تعداد محصلان دختر برخی مناطق بیش‌تر از محصلان پسر است. قهراً کسانی که تحصیلات عالی داشته و

سال‌ها خون دل خورده‌اند، تلاش می‌کنند که از اندوخته‌های علمی خود بهره ببرند. روشن است که این امر، در اغلب موارد، جز از طریق اشتغال در خارج از منزل، امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، به‌کارگیری آموخته‌ها و تخصص‌های علمی، از مهم‌ترین عوامل ضرورت اشتغال زنان در بیرون از خانواده به‌شمار می‌رود؛ زیرا هم جامعه به تخصص و مهارت‌های این دسته از بانوان نیازمند است و هم خود آن‌ها جوپای کار و اشتغال هستند. این ضرورت ایجاب می‌کند که دولت و نهادهای مدنی در قبال این افراد احساس مسؤولیت نموده و زمینه اشتغال آنان را فراهم نمایند.

### ۳-۵. ضرورت ملی و نقش زنان در توسعه

برای توسعه تعریف‌های متعدد بیان شده است. برخی گفته‌اند توسعه عبارت است از: «بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی یا فرایندی که هدف از آن، نیل به عدالت اجتماعی، برابری و احترام به کرامت انسانی برای همه افراد، گروه‌ها و ملت‌ها است» (علی آقابخشی، ۱۳۷۹: ۱۵۷).

نظریه‌پردازان توسعه بر این باوراند که یکی از شاخص‌های اصلی توسعه در هر کشوری، موقعیت زنان در آن کشور است. به عبارت دیگر، میزان سهم زنان در تولید ناخالص ملی می‌تواند یکی از شاخص‌های توسعه باشد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین موضوعی که در رابطه با توسعه اقتصادی مطرح می‌شود، توجه به اشتغال زنان در سطوح مختلف است. قطع نظر از ندهایی که بر مبانی، اهداف، اصول و روش‌های مدل توسعه غربی وارد است، بر هیچ منصفی پوشیده نیست که زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت یک کشور، نقش بسیار تعیین‌کننده در توسعه آن کشور دارند. در کشور عقب‌مانده و جنگ‌زده افغانستان، که همه بنیادهای اقتصادی، آموزشی و غیره آن ویران شده است، نیاز به مشارکت زنان در امر توسعه همه‌جانبه از ضرورت مضاعف برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که آبادانی این کشور و جبران عقب‌ماندگی‌های آن از کاروان جهانی، بدون مشارکت فعال زنان در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عملاً غیرممکن است؛ بنابراین، اشتغال زنان در افغانستان عملاً به یک

مطالبه و ضرورت ملی تبدیل شده است. مشارکت زنان در این امر، هم باید به صورت مستقیم و از طریق تصدی شغل‌های متناسب بیرونی باشد و هم به صورت غیرمستقیم و از سنگر مستحکم خانواده و پشتیبانی مردانی که در راستای توسعه کشور تلاش می‌کنند.

### ۳-۶. ضرورت‌های بین‌المللی

با توجه به این‌که کشور افغانستان در شرایط فعلی یک کشور کاملاً وابسته است و بخش اعظم بودجه و هزینه‌های جاری آن از محل کمک‌های بین‌المللی تأمین می‌گردد، در سیاست‌گذاری‌های خود ناگزیر باید خواست مجامع بین‌المللی را در نظر داشته باشد. به عبارت دیگر، دست‌کم در شرایط فعلی، این کشورهای غربی‌اند که در مقام عمل سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و حتی تصمیم‌گیری دولت‌مردان سیاسی افغانستان را تعیین می‌کنند. از سوی دیگر، تشابه‌محوری و برابری جنسیتی در اشتغال، از اصول اساسی توسعه غربی به‌شمار می‌رود. اسناد بین‌المللی نیز در تبیین نقش زن در توسعه اجتماعی بر این نکته پای می‌فشارند که توسعه فراگیر بدون مشارکت زنان امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، اعلامیه حق بر توسعه از دولت‌ها می‌خواهد برای فعال‌ساختن نقش زنان در فرایند توسعه بکوشند. در همین راستا، سازمان ملل متحد در قالب نهادهای جهانی و سازوکارهای دیگر، مانند گروه کاری حق بر توسعه و برنامه توسعه ملل متحد، می‌کوشد منابع جهانی را بر هدف‌های محوری که برای توسعه انسانی پایدار در نظر گرفته شده است؛ مانند ریشه‌کنی فقر، تجدید حیات محیط‌زیست و ایجاد اشتغال برای زنان متمرکز کند (دهقان، ۱۳۸۹: ۲۴۰).

دولت‌های عضو در بندهای ۲۷، ۳۴، ۳۵ و ۳۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اراده خویش برای تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی و دستیابی به توسعه پایدار با مشارکت و حضور کامل زنان در این فرایند تأکید کرده‌اند (دهقان، ۱۳۸۹: ۲۴۵). در موافقت‌نامه لندن و استراتژی انکشاف ملی افغانستان، ساختار تکاملی و هدایت‌کننده دولت برای در پیش‌گرفتن روند توسعه تا سال ۲۰۲۰ میلادی مشخص شده است. در این استراتژی، در کنار امور دیگر؛ هم‌چون: بهبود وضع بهداشت، تثبیت ساختار دموکراتیک فعلی، ایجاد جامعه مدنی و غیره،

بر برابری جنسیتی نیز به‌عنوان یک هدف مهم تأکید شده است (دهقان، ۱۳۸۹: ۲۳۹)؛ بنابراین، جلب کمک‌های خارجی، به‌مثابه یک امر فوق‌العاده حیاتی برای جامعه کنونی افغانستان، ایجاب می‌کند که دولت مردان و نهادهای مدنی، خواسته یا نخواستہ، نسبت به اشتغال زنان اهتمام جدی داشته باشند.

فشار عوامل یادشده آن‌قدر سنگین است که در شرایط موجود، در پیش‌گرفتن سیاست تحریم و مقاومت در برابر اشتغال زنان، نه امکان‌پذیر است و نه منطقی. البته، آنچه تحت عنوان ضرورت‌های اشتغال زنان بیان گردید، به این معنا نیست که با نگاه اسلامی نیز ضرورت به‌شمار می‌رود؛ بلکه واقعیت‌های اجتماعی هستند که جامعه اسلامی افغانستان به‌صورت نخواستہ با آن‌ها مواجه شده و ناگزیر باید آن را تدبیر کنند؛ به‌عنوان مثال: اهمیت داشتن اصل توسعه و نقش زنان در آن، نباید ما را از جنبه‌های دیگر آن غافل کند. در کنار توجه به اهمیت نقش زنان در توسعه، توجه به این نکته نیز بسیار مهم است که آنچه در مورد توسعه گفته شده است، عمدتاً خاستگاه غربی دارد و با آنچه در بینش اسلامی توسعه مطرح است، ضرورتاً هم‌خوانی ندارد. در نگاه دینی، توسعه اقتصادی، به‌خصوص از بُعد کمی، تا جایی مطلوبیت دارد که به سایر ابعاد حیات اجتماعی انسان صدمه نزند؛ در حالی که در مدل توسعه غربی، نفس توسعه مطلوبیت دارد و مرد و زن باید دوشادوش و همدوش یکدیگر تمام تلاش‌شان رشد اقتصادی باشد؛ اما در نگرش اسلامی، در کنار رشد اقتصادی، سلامت خانواده، تربیت فرزند در آغوش مادر، همسررداری، گرم‌نگه‌داشتن کانون خانواده، رعایت حریم و ارزش‌های دینی از اهمیت بالاتری برخوردار است. در نگرش اسلامی، توقع فعالیت اقتصادی یک‌سان از مرد و زن نامعقول است؛ زیرا مردان موظف‌اند مایحتاج زن را فراهم آورند. در مقابل، زن موظف است تا با همسررداری مناسب، کانون خانواده را حفظ نماید (شریفی، ۱۳۸۹: ۱۹۰-۱۸۹).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، همان‌گونه که بر اهمیت توسعه و مشارکت زنان در آن توجه شده، بر اهمیت خانواده و پاسداری از آن و پاسداشت ارزش‌های دینی نیز توجه شده است. ماده ۶ قانون اساسی افغانستان بر اهمیت توسعه تأکید می‌ورزد. ماده ۴۳

به توسعه آموزشی، ماده ۴۷ به توسعه علمی و فرهنگی و ماده ۵۲ به توسعه بهداشتی اشاره دارند؛ اما قبل از این مواد و مقدم‌تر بر همه این‌ها، در ماده ۳ قانونی اساسی تصریح شده است که هیچ قانونی نمی‌تواند برخلاف اسلام باشد. در ماده ۵۴، خانواده رکن اساسی جامعه تلقی و مورد حمایت قرار گرفته است؛ بنابراین، هرچند عوامل یادشده اصل اشتغال زنان را به‌عنوان یک ضرورت انکارناپذیر ایجاب می‌نماید و به‌لحاظ شرعی و قانونی نیز اصل بر جواز اشتغال زنان است؛ لیکن توجه به این ضرورت‌ها نباید موجب گردد که از آسیب‌ها و شرایط اشتغال زنان غافل شویم و به‌جای حل مشکلات زنان، آنان را با مشکلات پیچیده‌تر و جدی‌تر مواجه سازیم.

#### ۴. آسیب‌ها و پیامدهای منفی اشتغال زنان

##### ۴-۱. سردی در روابط زناشویی و تزلزل خانواده

از مهم‌ترین آسیب‌ها و پیامدهای منفی اشتغال زنان، سردی روابط زناشویی است؛ زیرا زنان شاغلی که از صبح تا عصر در محل کار با مردان نامحرم مشغول مذاکره و گفت‌و شنود بوده و گاهی از صحبت و شوخی‌های یکدیگر اشیاع شده‌اند، شب‌هنگام که به خانه برمی‌گردند، ارضا شده هستند؛ به‌خصوص معاشرت با مردان نامحرم در محیط کار اگر به شکل صمیمی درآید، یقیناً از توجه زنان به امور خانه و همسر کاسته خواهد شد. همین امر موجب می‌شود که بسیاری از نیازهای جنسی و عاطفی شوهر سرکوب شده و بدون پاسخ بماند. هم‌چنین مرد از این سردی همسر ممکن است نسبت به وی ظنین گشته و اعتماد خود را نسبت به وی از دست بدهد. در نتیجه اشتغال زن منجر به سردی روابط زناشویی و اختلافات خانوادگی می‌شود. در اثر همین سردی روابط، گاهی اختلافات خانوادگی به جایی می‌رسد که دیگر قابل جبران نیست و زن و شوهر راهی جز جدایی و طلاق ندارند (سها، ۱۳۸۹: ۱۰۲).

به علاوه، خستگی زنان شاغل به‌خاطر کار بیرون از منزل، کم‌تحركی جنسی را نیز در پی دارد. ارضانشدن جنسی زن و مرد از یکدیگر و غیرفعال‌بودن در روابط زناشویی، شروع درگیری، مشاجره و بهانه‌گیری‌ها را به‌دنبال دارد که گاهی به طلاق عاطفی و در مواقعی نیز

به طلاق واقعی می‌انجامد (اسفندیار، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۱؛ واثق، ۱۳۹۰: ۳۶۱).

به علاوه، گاهی اشتغال زنان در بیرون از خانه و رسیدن به استقلال اقتصادی، موجب تمرد زن و سردی روابط زناشویی می‌گردد؛ زیرا زن با اشتغال در بیرون از منزل و کسب درآمد، به مدیر خانواده احساس وابستگی نکرده و در نتیجه روابط عاطفی خانواده، به‌خصوص در مواردی که مرد خانواده درآمدی نداشته و یا درآمد او نسبت به زن کم‌تر باشد، کم‌رنگ و پرتنش شده و چه بسا مرد توسط زن مورد تمسخر قرار می‌گیرد. در این شرایط، هیچ جایی برای مدیریت موفق مرد باقی نمی‌ماند؛ حتی فرزندان خانواده نیز در این شرایط از پدر خانواده کم‌تر تأثیرپذیری و حرف‌شنوی خواهند داشت. برآیند این وضعیت، واکنش‌های تند مرد و نزاع خانوادگی خواهد بود که در بسیاری از موارد منجر به طلاق می‌شود.

## ۲-۴. بی‌عدالتی و ظلم در حق مردان

از دیگر آسیب‌های اشتغال زنان در بیرون از خانواده، بی‌کاری مردان یا پایین آمدن سطح اشتغال آنان است. اگر زنان شغل‌ها را تصاحب کنند، مردان ناگزیر باید در کنج خانه بمانند؛ در حالی که این امر اولاً، با ساختار طبیعی و توانمندی‌های تکوینی زن و مرد ناسازگاری دارد؛ ثانیاً، با تقسیم کار واقع‌بینانه و عادلانه‌ای که در اسلام صورت گرفته است، در تضاد است؛ ثالثاً، بسیاری از کارهای خانه؛ مثل تغذیه کودکان و نگهداری از آن‌ها و غیره را مرد نمی‌تواند به‌خوبی زن انجام دهد؛ رابعاً، یک نوع بی‌عدالتی و ظلم فاحش در حق مردان است؛ زیرا در اسلام مسئولیت سنگین تأمین نفقه بر عهده مردان گذاشته شده و زنان در قبال مخارج خانه هیچ‌گونه تکلیف و مسئولیتی ندارند. از سوی دیگر، اشتغال زنان در بیرون از خانه موجب بی‌کاری مردان و سرمایه‌دار شدن زنان می‌گردد.

به همین دلیل، با توجه به ساختار طبیعی و توانمندی‌های تکوینی زن و مرد و با توجه به تقسیم کار واقع‌بینانه و عادلانه‌ای که در اسلام صورت گرفته است، باید اشتغال مردان در اولویت باشد و اشتغال به سمت‌وسویی سوق داده شود که اصل قوامیت مرد در قبال مسئولیت سنگینی که به‌خاطر تأمین هزینه خانواده به عهده دارد، محفوظ بماند. این نکته



یک امر عقلی است و ربطی به مذهب و دین هم ندارد؛ زیرا عوامل متفاوت، آثار و اقتضائات متفاوت دارد. به همین دلیل، در طول تاریخ زندگی بشر به صورت یک قانون نانوشته و مورد قبول طرفین، بدون اجبار و اکراه، یک‌سری کارها را زن‌ها، متناسب با توانایی‌های جسمی و روحی‌شان و هم‌چنین یک‌سری کارها را مردان به تناسب توانایی روانی و جسمی‌شان انجام می‌داده‌اند (سها، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

### ۳-۴. ظلم در حق فرزندان خانواده

اشتغال زنان در بیرون از خانه، موجب می‌شود که به وضعیت تغذیه و بهداشت فرزندان توجه کم‌تر صورت گیرد و مهم‌تر از همه موجب می‌شود که فرزندان از عواطف مادری محروم شوند. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که زنان دارای عواطف شدید انسانی هستند. این عواطف زن را کمک می‌کند که بیشتر و بهتر از مردان مشکلات بچه‌های کوچک را تحمل کرده و با مهربانی آنان را پرورش دهند. در کشوری، مثل افغانستان، که مهد کودک و مراکز مطمئن برای نگهداری اطفال بسیار اندک است، در صورتی که زنان خانه‌ها را ترک کرده و به کارخانه‌ها بروند، فرزندان خانواده به‌لحاظ روحی و عاطفی به‌شدت آسیب خواهند دید. اگر به مردان گفته شود که نگهداری اطفال را به عهده گیرند، با توجه به روحیه خشن‌تری که مردان نسبت به زنان دارند، این امر یک نوع جفا هم در حق مردان و هم در حق فرزندان به حساب می‌آید؛ به‌خصوص این‌که بر اساس آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر، ۹,۶۸٪ زنان شاغل دارای طفل‌اند که ۸,۴۴٪ آنان بیش از چهار بچه دارند (<http://www.aihrc.org.af/>). (dari)

به علاوه، در صورت اشتغال تمام‌وقت مادران در بیرون از خانه، گرایش فطری آنان نسبت به تربیت فرزند و عطف و ورزیدن به آن‌ها مورد غفلت قرار گرفته و در واقع این نیاز حقیقی و درونی زنان بی‌پاسخ مانده و سرکوب خواهد شد. به عبارت دیگر، زنانی که در محیط مردانه و یا مختلط مشغول کار هستند، ظرافت طبع خود را نیز از دست می‌دهند و به‌نحوی گرفتار از خودبیگانگی می‌شوند. این دسته به‌خاطر بودن در محیط مردانه، با نوعی

برخوردهای مردانه و آمرانه عادت کرده و لطافت در گفتار و رفتار آنان کم‌رنگ شده و در نتیجه، اثر مستقیم در گویش و رفتار فرزندان نیز بر جای می‌گذارد. در واقع محیط خانه تهی از عذوفت و مهر مادری و سرشار از آمریت و چه بسا خشونت می‌گردد (اسفندیار، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۶؛ واثق، ۱۳۹۰: ۳۶۱).

#### ۴-۴. تحمیل فشار جسمی و روانی بر زنان

کارهای بیرون از خانه در بسیاری از موارد از توان زنان بیرون است و با ساختار وجودی و روانی آنان نیز سازگاری ندارد؛ به‌خصوص زنانی که در دوره بارداری یا شیردهی قرار دارند، هرگز تحمل کارهای شاق و فشارهای اشتغال در بیرون از خانه را ندارند؛ زیرا- همان‌گونه که بیان شد- بهره‌وری بیش‌تر و مزد کم‌تر از استراتژی‌های اصلی سرمایه‌داران و از عوامل اصلی دامن‌زدن به اشتغال زنان است. کارخانه‌داران که به‌دنبال سود بیش‌تر هستند، نوعاً حاضر نخواهند شد که مراعات زنان شاغل را داشته باشند؛ بلکه زنان شاغل باید در هر شرایطی کارهای سخت آنان را به بهترین وجه انجام دهند. این امر موجب می‌شود که زنان برای رسیدن به پول ناچیز، بیش‌ترین فشارهای جسمی و روانی را تحمل کنند؛ در حالی که اگر به کارهای خانه که متناسب با ساختار وجودی و نیازهای روانی آنان است بپردازند، هم از فشارها در امان می‌مانند و هم به کارهای خانه و امور فرزندان که اهمیت بیش‌تری دارند، رسیدگی می‌شود (سها، ۱۳۸۹: ۱۰۳)؛ بنابراین، اشتغال زنان در خارج از منزل، قبل از هرکس، فشارهای سنگین روانی و جسمی بر خود آنان تحمیل می‌کند.

اگر علاوه بر کارهای بیرونی، کارهای خانه نیز بر دوش زنان باشد- که در موارد زیادی این‌گونه است- فشارها مضاعف خواهد بود؛ زیرا زنی که از صبح تا عصر مشغول کار باشد، دیگر توانی برای انجام کارهای خانه و رسیدگی به فرزندان برای او باقی نمی‌ماند. اگر با این‌وجود کارهای خانه نیز بدوش او باشد، از نظر جسمی و روانی به‌شدت تحت فشار قرار گرفته و چه بسا این امر موجب فشارهای عصبی و بیماری‌های روانی می‌گردد. به علاوه، بسیاری اوقات، مادران از این‌که با انتخاب شغل توان نگهداری درست از فرزندان را ندارند

و یا این‌که به‌خاطر شغل از رسالت مهم سرباز زده‌اند، احساس گناه می‌کنند و از این ناحیه فشارهای روانی سنگین بر آن‌ها وارد می‌گردد (اسفندیار، ۱۳۸۴: ۲۵؛ واثق، ۱۳۹۰: ۳۶۱).

#### ۴-۵. نقض غرض یا مقرون به صرفه نبودن

همان‌گونه که در بیان ضرورت‌ها گذشت، از عوامل اشتغال زنان، انگیزه کمک زن به شوهر در تأمین رفاه بیش‌تر خانواده است. اگر هدف از اشتغال زنان در بیرون از خانه سودآوری باشد، در برخی موارد، این غرض تأمین نمی‌شود؛ زیرا- همان‌گونه که بیان شد- از عوامل مؤثر در استقبال از نیروی کاری زن، پرداخت مزد کم‌تر است؛ به‌گونه‌ای که در برخی از موارد، مزدی که صاحبان کار به زنان می‌دهند، تقریباً با هزینه‌هایی که به‌خاطر غیبت آنان از محیط خانه مصرف می‌شود، برابری می‌کند؛ به‌عنوان نمونه: در شهرهای شلوغ و پرترافیکی، مثل کابل، که از سوئی حمل و نقل عمومی بسیار ضعیف عمل می‌کند و از سوی هزینه حمل و نقل خصوصی بسیار سنگین است، زنان برای رسیدن به محل کار و برگشت به خانه، مجبورند از وسایل حمل و نقل خصوصی استفاده کرده و کرایه‌های سنگینی را پرداخت کنند. از سوی دیگر، به‌خاطر اشتغال زن در بیرون از خانه، هزینه‌هایی؛ هم‌چون: نگهداری از کودکان، انجام کارهای خانه، استفاده از غذاهای آماده بیرون و غیره بر خانواده تحمیل می‌شود. این هزینه‌ها در برخی موارد، نزدیک به سودی است که از اشتغال زن نصیب خانواده می‌شود. هرچند تا کنون اغلب تصور بر این بوده است که کارهای زن در خانواده ارزش اقتصادی ندارد؛ لیکن باید اذعان کرد که گاهی ارزش کار زنان در خانواده بیش‌تر از سودی است که از ناحیه اشتغال بیرونی زن نصیب خانواده می‌گردد (واثق، ۱۳۹۰: ۳۶۰).

#### ۴-۶. مشکلات امنیتی

در کشورهای جنگ‌زده‌ای مانند افغانستان، اشتغال زنان از هرجهت با مشکلات امنیتی مواجه است؛ زیرا در افغانستان اولاً، نیروهای متحجر و افراطی طالبان بر بخش‌های زیادی از کشور حاکمیت دارد که با اصل اشتغال زنان مخالف‌اند و معمولاً مخالفت خود را با خشونت ابراز می‌کنند. در سال‌های اخیر بارها گروه طالبان زنان شاغل را تهدید و یا حتی

ترور کرده‌اند؛ ثانیاً، به‌خاطر تأخر فرهنگی جامعه و ضعف دولت در حمایت از زنان شاغل، آنان در محل کار پیوسته مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند؛ ثالثاً، جامعه غالباً به اشتغال زنان به دیده منفی می‌نگرند و نگاه مثبت به زنان شاغل ندارند. به همین دلیل، زنان شاغل در بسیاری از موارد، امنیت روانی ندارند و همواره خود را در معرض اتهام احساس می‌کنند. در نتیجه جوامعی مثل افغانستان، نه امنیت اجتماعی برای اشتغال زنان فراهم است و نه امنیت روانی. این امر موجب می‌شود که زنان شاغل از سویی قربانی خشونت و ترور قرار گیرند و از سوی دیگر فشارهای روانی و نگاه‌های معنادار اطرافیان را تحمل کنند و به‌نحوی ترور شخصیت شوند (نوری، ۱۳۸۹: ۳۸۹).

آن عده از زنان که توانسته‌اند کاری برای خود پیدا کنند، در محیط کار از خشونت و تبعیضات جنسیتی شکوه‌ها دارند؛ به‌عنوان نمونه: بر اساس گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر، بسیاری از زنان شاغل با داشتن تحصیلات عالی و سابقه کاری لازم از حق ترفیع محروم‌اند. بعضی از بی‌اعتنایی و نگاه تحقیرآمیز کارمندان مرد نسبت به‌خود گلایه دارند. بیش از نیمی از کارمندان زن گفته‌اند که در برابر اضافه‌کاری، حقوقی به آنان داده نمی‌شود. مهم‌تر از همه این‌که تأخر فرهنگی از یک‌سو و محیط کاری مختلط از سوی دیگر، موجب می‌گردد که نوعاً زنان در محل کار نگاه‌ها و رفتارهای معنادار جنسی را هر روزه تجربه کنند. آزار و اذیت‌های کلامی، رفتاری، تقاضاهای نامشروع و غیره، از اهم مشکلات زنان شاغل به حساب می‌آید؛ به‌گونه‌ای که ۵٪ از زنان مصاحبه‌شده گفته‌اند که از آنان درخواست نامشروع شده و ۱٫۴٪ گفته‌اند که مورد اذیت و آزار جنسی قرار گرفته‌اند (<http://www.aihrc.org.af/dari>).

در شرایط جدید، به این دلیل که تعداد زیادی از زنان شاغل، در انجوها و مؤسسات خصوصی و خارجی مشغول به کار هستند، با مشکلات مضاعف روبه‌رویند. علاقه‌مندی انجوها به استخدام زنان و پیشنهاد حقوق‌های دلاری از سوی آن‌ها، موجب شده است که زنان و دختران برای استخدام در انجوها، مسابقه بگذارند. البته انجوها مطیع‌بودن جنسی را با صراحت شرط نمی‌کنند؛ اما در عمل از اهداف شوم برخی از آن‌ها، همین سوء‌استفاده‌های

اقتصادی و جنسی است. متأسفانه برخی از زنان و دختران نه تنها به این سوءاستفاده‌ها تن می‌دهند؛ بلکه برای خوش‌خدمتی و تقرب هرچه بیش‌تر، می‌کوشند فرهنگ ابتذال را در جامعه اسلامی افغانستان ترویج کنند (اسکندری، ۲، ۱۳۸۹: ۳۵۵؛ نورمحمدی، ۱۳۸۹: ۴۰۰).

#### ۴-۷. به تأخیرافتادن ازدواج و بچه‌آوری

برخی از دختران تحصیل‌کرده - به‌خصوص آنانی که به مراحل عالیۀ علمی دست پیدا می‌کنند - در ابتداء، به‌خاطر ادامه تحصیل و در ادامه به‌خاطر یافتن شغل مناسب، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند. گاهی شغل‌یابی برای این دسته از دختران چنان اهمیت می‌یابد که حاضرند به‌خاطر آن، ازدواج را سال‌ها به تأخیر بیاورند. بعد از یافتن شغل دلخواه، گاهی توقعات آنان به‌حدی بالا می‌رود که یافتن شوهر دلخواه که بتواند هم‌کفو او بوده و توقعات او را برآورده سازد، بسیار دشوار می‌گردد. از سوی دیگر، به‌خاطر بالابودن توقع این دختران و دشواربودن سازگاری با آنان، بسیاری از پسران و یا خانواده‌های آنان جرأت خواستگاری و ازدواج با آنان را به‌خود راه نمی‌دهند. بر اساس آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر در سال ۱۳۸۸، قریب ۲۵٪ زنان شاغل مجرد هستند (<http://www.aihrc.org.af/dari>).

برخی از دختران تحصیل‌کرده، که پست‌های مهم اجتماعی را تصاحب کرده‌اند، به‌خاطر تأثیرپذیری از اندیشه‌های افراطی فمینیستی، ازدواج را مساوی با اسارت دانسته و به‌خاطر حفظ شغل و موقعیت خود از ازدواج صرف نظر می‌کنند. اشتغال زنان نه تنها موجب به تأخیرافتادن ازدواج می‌گردد؛ بلکه در مواردی، حتی موجب انصراف از آن نیز می‌شود که هم برای خود فرد، هم برای خانواده‌های آنان و هم برای جامعه بسیار مضر است. بدون تردید، از معضلات امروز جامعه افغانستان، بالارفتن سن ازدواج دختران و از بین رفتن زمینه ازدواج برخی از دختران فعال و تحصیل‌کرده است که خود آنان نیز در این جهت بی‌تقصیر نیستند. دختران با احراز فرصت‌های شغلی، موقعیت‌های اجتماعی تازه‌ای می‌یابند و شرایط سخت‌تری برای ازدواج خود در نظر می‌گیرند که این امر اگر ادامه پیدا کند و گسترش یابد، ممکن است در آینده، هم‌چون کشورهای صنعتی، با نسلی از سال‌خوردگان تنها و پیردختران

مجرد روبه‌رو شویم.

اشتغال نه‌تنها موجب به تأخیرافتادن و یا انصراف از ازدواج می‌گردد؛ بلکه گاهی موجب به تأخیرافتادن فرزندآوری و یا حتی عدم تمایل به آن بعد از ازدواج نیز می‌شود. برخی از زنان چنان به شغل خود دلبستگی دارند، که به‌رغم میل فطری و باطنی خویش به مادرشدن، حاضرند آن را سال‌ها به تأخیر اندازند و یا خود را از این نعمت بی‌بديل محروم سازند. این امر علاوه بر این‌که با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی سازگاری ندارد، برای سلامت روحی و روانی زن نیز تهدید جدی به‌شمار می‌رود؛ زیرا اگر بپذیریم که در طبیعت زن تمایل به مادری نهفته است، ارضانشدن این نیاز طبیعی می‌تواند آثار مخرب بر روحیات وی بر جای گذارد.

در شرایط کنونی، در اثر تبلیغات خانمان‌برانداز جریان‌های فمینیستی، برخی از دختران تحصیل‌کرده به‌جای این‌که به ازدواج و فرزندآوری به دید فرصت بنگرند، به دیده تهدید نگاه می‌کنند. این دسته از دختران، که فرصت‌ها را منحصر در فرصت‌های بیرون از خانه می‌پندارند و از نقش یک زن آگاه در خانواده و از این طریق تأثیرگذاری بر جامعه غافل‌اند، خیال می‌کنند که ازدواج غل و زنجیری است که برای همیشه زن را به اسارت کشیده و هرگونه فرصت را از وی سلب می‌کند. به همین دلیل، از ازدواج و یا فرزندآوری به‌موقع فرار می‌کنند و وقتی متوجه اشتباه خود می‌شوند که بسیار دیر شده است؛ در حالی‌که واقعیت این است که اولاً، ازدواج و فرزندآوری یک امر فطری است که مبارزه با آن اثرات مخرب روحی، روانی، اخلاقی و ضد ارزشی فراوان دارد؛ ثانیاً، فرصت‌ها و تأثیرگذاری‌های زن منحصر در اشتغال بیرون از خانه و پرداختن به کارهای طاقت‌فرسای بیرون نیست؛ ثالثاً، محوریت زن در خانواده، علاوه بر این‌که متناسب با نیازها و اقتضائات وجودی زنان است، در سلامت و توسعه همه‌جانبه جامعه نیز نقش بی‌بديل دارد؛ رابعاً، اگر زن از نقش و تأثیرگذاری خود درون خانواده به خوبی آگاه باشند و آن را ماهرانه به‌کار ببندند، بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی، فرهنگی و تربیتی موجود در جامعه، از جمله پدیده‌های زشت تبعیض جنسیتی، نگاه کم‌بینانه به زن، خشونت‌های خانوادگی و غیره، زدوده خواهد شد.

## ۸-۴. اشتغال تفننی و اشغال فرصت‌های شغلی افراد مستحق

در اثر نفوذ اندیشه‌های فمینیستی در افغانستان، اشتغال زنان در این کشور به‌عنوان یک هدف و ارزش بالذات تبدیل شده است. برای یک‌عده از زنان، اشتغال بیش از آن‌که از سر نیاز و به‌مثابه ابزاری برای معیشت باشد، خود به‌عنوان یک هدف و ارزش ذاتی تلقی می‌شود. امروزه فخرفروشی به‌واسطه اشتغال در میان زنان بسیار بیش‌تر از مردان شایع است؛ از این‌رو، عده‌ای از زنان و دختران، که به‌لحاظ اقتصادی کاملاً تأمین‌اند و هیچ نیازی به اشتغال در بیرون از خانه ندارند، برای کسب پرستیژ و تفاخر بر دیگران، به اشتغال رو می‌آورند. اشتغال تفننی عده‌ای قابل توجهی از زنان شاغل در افغانستان، علاوه بر آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی که در پی دارد، موجب می‌شود که بخش زیادی از فرصت‌های شغلی در اختیار افرادی قرار گیرند که هیچ‌گونه نیازی به اشتغال در بیرون از خانه ندارند و در مقابل افراد حقیقتاً نیازمند اشتغال هم‌چنان بی‌کار و فقیر باقی بمانند. طبق آمار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تنها ۱۱٪ از زنان شاغل را زنان سرپرست خانوار و مستحق اشتغال تشکیل می‌دهند. این در حالی است که تعداد زنان بیوه و سرپرست خانوار در کشور جنگ‌زده افغانستان رقم بسیار بالایی را تشکیل می‌دهند (<http://afghanistan.unifem.org>).

## ۹-۴. سوءاستفاده‌های اقتصادی از اشتغال زنان

به عقیده بعضی از اندیشمندان، دفاع از اشتغال زنان با شعار دفاع از حقوق زنان، از همان ابتداء بیش‌تر صبغه اقتصادی داشته و در راستای سوءاستفاده‌های اقتصادی از اشتغال زنان بوده است. به عبارت دیگر، در پشت صحنه شعارهایی که به نفع زنان داده می‌شود، همواره یک هدف اقتصادی نهفته بوده و هست. اساساً انقلاب صنعتی از عوامل اساسی اوج‌گیری جنبش فمینیسم در غرب به‌شمار می‌رود. بعد از انقلاب صنعتی و به‌وجود آمدن کارگاه‌ها و کارخانه‌های زیاد در جوامع اروپایی، این کارخانه‌ها نیاز به کارگر زیاد و ارزان داشتند تا سوددهی بیش‌تری داشته باشند. صاحبان ثروت و سرمایه، با صراحت اعلام نکردند که زنان باید در کارخانه‌ها با قیمت ارزان کار کنند تا سوددهی کارخانه‌ها بالا رود؛ بلکه گفتند زنان

باید حق مالکیت داشته باشند؛ زنان باید آزادی داشته باشند؛ زنان باید حق فعالیت اقتصادی و مشارکت سیاسی داشته باشند و... این شعارهایی جذاب و فریبنده طرفدارانی زیادی در جامعه پیدا کرد: قوانین و مقررات تغییر کرد؛ زنان به آزادی نایل شدند؛ از حق مالکیت برخوردار شدند و حق فعالیت اقتصادی و مشارکت سیاسی را به دست آوردند. اولین و فوری‌ترین برآیند حق اشتغال زنان این بود که یک‌باره نصف جمعیت غایب، وارد بازار کار شدند. صاحبان صنایع از این فرصت استفاده کرده، زنان را که با قیمتی بسیار ارزان‌تر از مردان حاضر بودند کارها را انجام دهند، استخدام کردند (شریفی، ۱۳۸۹: ۳۶۰-۳۵۹). شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «کارخانه‌داران برای این‌که زنان را از خانه به کارخانه بکشند و از نیروی اقتصادی او بهره‌کشی کنند، حقوق زن، استقلال اقتصادی زن، تساوی حقوق زن با مرد را عنوان کردند و آن‌ها بودند که توانستند به این خواسته‌ها رسمیت قانونی بدهند» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱۹: ۳۰).

ویل دورانت این مسأله را با جزئیات بیش‌تر چنین توضیح می‌دهد: «آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است؛ زیرا انقلاب صنعتی در درجه اول موجب شد که زن نیز صنعتی شود... زنان کارگران ارزان‌تری بودند و کارفرمایان، آنان را بر مردان سرکش و سنگین قیمت ترجیح می‌دادند. یک قرن پیش، کار پیدا کردن برای مردان دشوار گشت؛ اما اعلان‌ها از آنان می‌خواستند که زنان و کودکان خود را به کارخانه‌ها بفرستند. کارفرمایان باید در اندیشه سود سهام خود باشند و نباید خاطر خود را با اخلاق، رسوم و حکومت‌ها آشفته سازند. کسانی که ناآگاه برای خانه‌براندازی توطئه کردند، کارخانه‌داران وطن‌دوست قرن نوزدهم انگلستان بودند. نخستین قدم برای آزادی مادر بزرگ‌های ما، قانون ۱۸۸۲ بود. به موجب این قانون، زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیازات بی‌سابقه برخوردار می‌شدند و آن این‌که پولی را که به دست می‌آوردند، حق داشتند برای خود نگه دارند. این قانون عالی اخلاقی و مسیحی را کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند. از آن‌سال تا به امسال، سودجویی مقاومت‌ناپذیری، زنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رهایی‌ده و گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کرده است» (ویل دورانت، ۱۳۸۳:



به نظر می‌رسد این واقعیت کاملاً روشن است که در افغانستان جدید نیز عده‌ای با طرح شعار دفاع از حقوق زنان، در پی منافع اقتصادی خویش و سوءاستفاده از نیروی کار زنان هستند. آنان با تبلیغات گسترده، اشتغال و استقلال اقتصادی زنان را به‌عنوان یک حق مسلم و دارای بیش‌ترین فوریت و اولویت در جامعه مطرح می‌کنند؛ اما در اصل هیچ اعتقادی به کرامت و حقوق زنان ندارند؛ بلکه از آنان به‌عنوان ابزاری در جهت بالابردن بهره‌وری اقتصادی، سوءاستفاده می‌کنند. در مواردی تنها استفاده از جوانی، طراوت، زیبایی ظاهری و آراستگی مصنوعی زن به‌منظور جلب مشتری مورد نظر بنگاه‌داران و فروشگاه‌های اقتصادی است. روشن است که چنین استفاده‌های ناروا از استعدادها و شگرف زنان، علاوه بر این که از نظر دینی مشکل‌آفرین است، توهین آشکار به زن نیز به حساب می‌آید؛ از این رو، زنان شاغل باید به هوش باشند که صرفاً به‌عنوان یک ابزار اقتصادی مورد سوءاستفاده قرار نگیرند. باید توجه داشت که عدم توجه به ارزش‌ها و هنجارهای فقهی و حقوقی اشتغال زنان، می‌تواند جوامع اسلامی را نیز به سرنوشت غرب و راه بازگشت‌ناپذیر آن دچار سازد؛ در حالی که اگر ارزش‌های اخلاقی و حقوقی اسلام در جوامع اسلامی حکم‌فرما باشند، در عین دفاع از اشتغال زنان، می‌توان از بسیاری از پیامدهای ناگوار کار زنان، نیز جلوگیری نمود (صداقت، ۱۳۹۰: ۳۷۱).

#### ۱۰-۴. سوءاستفاده‌های جنسی از زنان

در کنار سودجویی‌های اقتصادی، سوءاستفاده‌های جنسی از زنان شاغل نیز از آسیب‌های جدی اشتغال زنان به حساب می‌آید. عده‌ای هوس‌ران، که هیچ اعتقادی به کرامت، عزت و حقوق زنان ندارند، برای این که به کام‌جویی‌های جنسی خود نایل آیند، بحث اشتغال زنان را شعار خود قرار می‌دهند. این افراد با شعار حمایت از زنان، آنان را به بازار کار می‌کشاند، تا علاوه بر سوءاستفاده‌های اقتصادی، به کام‌جویی‌های حیوانی و شهوانی خود نیز نایل آیند. امروزه از مهم‌ترین عوامل استقبال از نیروی کار زنان در برخی انجوها و سازمان‌های فعال

و حتی برخی ادارات دولتی، همین سوءاستفاده‌های جنسی از زنان ساده‌دل و بی‌تجربه است که به‌سادگی شکار این افراد هوس‌باز می‌شوند. به همین دلیل، برخی انجوها و شرکت‌ها، بعد از رسیدن به اغراض خویش، اقدام به تعویض کارمندان زن می‌کنند و به فکر شکارهای تازه‌تر می‌افتند. با توجه به این‌که ۶,۴۴٪ زنان شاغل در افغانستان را افراد ۱۸ تا ۳۰ سال تشکیل می‌دهند، زمینه‌های سوءاستفاده‌های جنسی از زنان شاغل بیش‌تر وجود دارد و این خطر بیش‌تر احساس می‌شود (<http://www.aihrc.org.af/dari>).

با توجه به آسیب‌هایی که بیان شد، اگر اشتغال زنان در اصل یک فرصت به حساب می‌آید و در شکوفایی و توسعه جامعه نقش تعیین‌کننده دارد، عوارض و آسیب‌های فراوانی نیز آن را تهدید می‌کند. به همین دلیل، در اسلام و قوانین جمهوری اسلامی افغانستان، که احکام اسلامی را مبنای قانون‌گذاری قرار داده است، اشتغال زنان مشروط به یک سلسله شرایط است که توجه به آن‌ها در بحث اشتغال زنان بسیار ضروری به نظر می‌رسد. شرایط و محدودیت‌های شرعی اشتغال زنان، نه تنها هیچ‌گونه منافاتی با حقوق آنان ندارد؛ بلکه کاملاً در راستای دفاع از حقوق و کرامت انسانی زنان است. به همین دلیل، برخی از این شرایط و محدودیت‌ها یک امر بیرون‌دینی و عقلی به حساب می‌آیند که دولت‌های غیرمسلمان نیز آن‌ها را پذیرفته‌اند.

## ۵. مهم‌ترین شرایط و محدودیت‌های اشتغال زنان در اسلام و قوانین افغانستان

با توجه به آسیب‌هایی که از ناحیه اشتغال زنان کل جامعه و به‌خصوص جامعه زنان را تهدید می‌کند، در دین مبین اسلام و به پیروی از آن در قوانین جمهوری اسلامی افغانستان، شرایط و محدودیت‌هایی برای اشتغال زنان لحاظ شده است که در این نوشتار تنها به مهم‌ترین آنان اشاره خواهیم کرد.

### ۵-۱. رعایت عفاف و پاسداشت کرامت انسانی زن مسلمان

همان‌گونه که بیان شد، در دین مبین اسلام، اصل در اشتغال زنان جواز است؛ اما اسلام

به‌خاطر مصالح جامعه و تأمین امنیت اجتماعی و روانی زنان، برای حضور زن در جامعه و اشتغال وی در بیرون از خانه، یک‌سری شرایط و محدودیت‌های الزامی در نظر گرفته که مهم‌ترین آن‌ها رعایت عفاف و حجاب و حفظ کرامت انسانی زن مسلمان است. قرآن کریم در آیات متعدد، زنان را مکلف به رعایت حجاب نموده است که با رعایت آن، زنان و مردان در جامعه با آرامش روحی و روانی کارهای خود را انجام خواهند داد. هم‌چنین فروبستن دیده در معاشرت‌های اجتماعی را بر زن و مرد واجب کرده (سوره نور، آیه ۳۱) و به‌خصوص زنان را به روسری بلند بر خود انداختن (سوره احزاب، آیه ۵۹) و پوشش فروگرفتن (سوره احزاب، آیه ۳۳) و پرهیز از تبرج جاهلی (سوره احزاب، آیه ۳۳) [ظاهرکردن زینت] مکلف ساخته است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، زنان مسلمان در قدم نخست باید متوجه هویت اسلامی و وظیفه دینی خود باشند؛ لذا اگر احساس می‌کنند در شغلی پاکدامنی و کرامت انسانی‌شان خدشه‌دار می‌شود، باید از حضور در چنین مشاغلی خودداری نمایند. اسلام اجازه نمی‌دهد که شخصیت و استعداد های انسانی شگرف زنان مورد سوءاستفاده‌های اقتصادی، جنسی و غیره قرار گیرد. زن مسلمان اگر واقعاً نیاز به کار در بیرون از منزل ندارد و فقط به‌خاطر تنوع به‌دنبال اشتغال است، سزاوار نیست خود را در معرض آسیب قرار دهد. در صورتی که واقعاً به اشتغال بیرونی نیاز دارد، باید سعی کند کاری را انتخاب کند که به پاکدامنی و مصالح خانواده صدمه‌ای وارد نشود (شریفی، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

در واقع، اسلام برای زن شخصیت و کرامتی قایل شده است، که حفظ آن به مراتب مقدم بر اشتغال است. عفاف و پاکدامنی، عزت و کرامت انسانی، گوهری است که نمی‌شود آن را با هیچ چیز دیگر تقویم و مقایسه نمود. به همین دلیل، اشتغال تا وقتی جایز است که با شخصیت انسانی و ارزش‌های دینی در تعارض نباشد. از نظر اسلام، میدان تلاش و فعالیت برای زنان کاملاً باز است؛ اما برخورد شی‌انگارانه با زن و وادارکردن آنان به کارهایی که مخالف شأن و مقام انسانی او است، ستم بزرگی است که به هیچ‌وجه جواز شرعی ندارد. به همین دلیل، اسلام اگر اشتغال زنان را تجویز نموده، دولت و نهادهای دینی و مدنی را مکلف ساخته است که زمینه حضور متناسب با شؤونات زن مسلمان و حفظ حریم الهی عفاف و

تقوی، تنظیم روابط سالم اجتماعی، شغل‌های سازگار با ویژگی‌های فطری و طبیعی زن را فراهم نمایند (اسکندری، ۱۳۸۹: ۳۵۷).

## ۲-۵. پرهیز از اختلاط زن و مرد

از دیگر شرایط کار زن در بیرون از خانه، رعایت حریم و پرهیز از اختلاط است؛ زیرا عدم رعایت حریم، خطر شکستن حصار عفاف را در پی دارد. شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا (ص) همین بوده است (نه حبس و نه اختلاط) که زنان از شرکت در مجالس نهی نمی‌شدند؛ ولی همواره اصل حریم رعایت می‌شده است» (مطهری، ۱۳۷۹: ۵۵۰). با رعایت حریم، هم حرمت و کرامت زنان حفظ می‌شود و هم به کار آنان لطمه وارد نمی‌گردد.

به دلیل این‌که تمایلات جنسی زن و مرد نسبت به یکدیگر، یک امر طبیعی و غیر قابل انکار است و در محیط مختلط زمینه تحریک این غریزه بیش‌تر فراهم است، اسلام اصل را بر عدم اختلاط زن و مرد قرار داده است؛ به‌ویژه دختران جوان که هنوز تجربه کافی از زندگی را کسب نکرده‌اند و غرور خوداتکایی و شوق کار نیز دارند، در محیط‌های مختلط بیش‌تر در معرض خطر قرار دارند. همان‌گونه که بیان شد، شیادانی وجود دارند که به بهانه استخدام زنان، در پی کام‌جویی‌ها و سوءاستفاده‌های جنسی از زنان و دختران هستند. به همین دلیل، باید تلاش شود که محیط کارهای زنان کاملاً امن و حتی‌الامکان زنانه باشد. تحقیقات نشان می‌دهد هراندازه که اختلاط زن و مرد در محیط کار، بدون رعایت موازین شرعی و اصول اخلاقی باشد، به همان اندازه میزان گناه، جرایم و خشونت افزایش یافته و فضای فرهنگی و اخلاقی اجتماع و خانواده دچار آسیب می‌شود (واثق، ۱۳۹۰: ۳۶۱).

شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: «آنچه اسلام لاف‌ل به صورت یک امر اخلاقی توصیه می‌کند، این است که تا حد ممکن اجتماع مدنی غیرمختلط باشد؛ زیرا زیان‌های اجتماع مختلط بر هیچ‌کس پوشیده نبوده و همه با چشم خود می‌بینند؛ لذا لازم است که زنان فعالیت‌های خود را به اصطلاح «دوشادوش» مردان انجام ندهند. اثر این دوش‌به‌دوشی‌ها

این است که هر دو هم‌دوش را از کار باز می‌دارد و هریک را به‌جای توجه به کار، متوجه هم‌دوش می‌کند تا آن‌جا که غالباً این هم‌دوشی‌ها به هم‌آغوشی منتهی می‌گردد» (مطهری، ۱۳۷۸: ج ۱۹: ۵۴۸).

### ۳-۵. اولویت‌دادن به خانواده (خانواده محوری)

خانواده اولین مهد تربیت بشر و شالوده نظامات اجتماعی است، که رکن اصلی آن را زن تشکیل می‌دهد. بر هیچ کسی پوشیده نیست که موفقیت افراد و صلاح جامعه قبل از هر چیز دیگر، متوقف بر اهتمام زنان نسبت به انجام هرچه بهتر نقش مادری و همسری در درون خانواده است. امروزه دانشمندان به نهادهای اجتماعی به‌عنوان یک سیستم به هم‌پیوسته نگاه می‌کنند. این سیستم زمانی می‌تواند کارکرد مؤثر خود را داشته باشد که تمام قطعات آن به‌خوبی فعالیت کنند. خانواده از ارکان اساسی این سیستم است. هرگاه این قطعه دچار عیب و ایراد شود، کل سیستم جامعه با مشکل مواجه می‌شود (نوری، ۱۳۸۹: ۳۹۰).

محور اصلی خانه و خانواده از نظر اسلام زن است که مسؤولیت همسررداری، تربیت فرزندان و رسیدگی به امور آن‌ها را بر عهده دارد. زن مسلمان باید اولین و اصلی‌ترین وظیفه خود را اداره امور داخلی خانواده بر اساس موازین و آداب اسلامی و تربیت صحیح فرزندان بداند و فقط پس از انجام چنین وظیفه خطیری، به قبول مسؤولیت‌های اجتماعی دیگر بپردازد؛ چنان‌که در سیره فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> نیز به‌خوبی شاهد همین مطلب هستیم؛ آن‌گاه که حضرت علی<sup>(ع)</sup> و حضرت فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> تقسیم کارهای خانه را به حضرت پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> واگذار نمودند و حضرت رسول<sup>(ص)</sup> کارهای بیرون از خانه را بر دوش حضرت علی<sup>(ع)</sup> و کارهای خانه را به دوش حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> گذاشت، حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> این تقسیم کار را کاملاً واقع‌بینانه، عادلانه و متناسب با نیازها و استعدادهای زن و مرد دانسته و به‌شدت خرسندی خود را ابراز داشتند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۸۱).

با توجه به این‌که سیره معصومین<sup>(ع)</sup> برای همه مسلمانان حجت و لازم‌الاجراء است، در واقع این تقسیم کار که توسط پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> صورت گرفت، منحصر در آن دو

بزرگوار نبوده؛ بلکه به صورت یک اصل و قاعده کلی، بیانگر تقسیم کار در اسلام به حساب می‌آید. البته تقسیم کار در اسلام به صورتی که بیان شد، با اصل جواز کار و اشتغال زنان در اسلام تضاد و تنافی ندارد. به عبارت دیگر، با آن که اصل بر جواز اشتغال زنان است، تقسیم کار عادلانه و تناسب محور همان چیزی است که پیامبر گرامی اسلام (ص) بیان کرد و حضرت علی (ع) و فاطمه (س) آن را با دل و جان پذیرفتند؛ لیکن گاهی - به دلایلی که بیان شد - زنان می‌خواهند یا مجبورند که در خارج از خانه مشغول به کار شوند؛ در این صورت اولاً، باید سعی شود که به کارهای متناسب با روحیات خودشان اشتغال یابند؛ چنان که دولت و نهادهای دینی و مدنی نیز مکلف‌اند ساز و کارهای مناسبی را برای شغل‌های متناسب با نیازها و توانمندی‌های زنان پیش‌بینی و آماده سازند؛ ثانیاً، اشتغال در بیرون از منزل نباید آنان را از رسالت مادری و همسر داری، به عنوان اصلی‌ترین رسالت زن، غافل کند. به عبارت دیگر، اشتغال زن نباید مصالح خانواده را به خطر اندازد. در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی افغانستان آمده است: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود زن باشد، منع کند». البته در ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده امکان ممانعت شوهر از کار زن در صورت مغایرت با مصالح خانواده و یا حیثیت زن و مرد، منوط به تأیید دادگاه شده است: «شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی و یا حیثیت خود و یا زن باشد، منع کند».

برای درک اهمیت خانواده، توجه به این واقعیت بسیار مهم است که خانواده سالم، رکن اساسی جامعه بوده و زن، رکن اساسی خانواده سالم است. با توجه به نقش محوری زن به عنوان ستون فقرات خانواده و با توجه به نقش محوری خانواده به عنوان ستون فقرات جامعه، می‌توان استنتاج کرد که نشاط، سلامت و توانمندی جوامع به نشاط، سلامت و توانمندی خانواده‌ها وابسته است؛ چنان که نشاط، سلامت، توانمندی و... خانواده‌ها به سلامت، نشاط، توانمندی و احساس مسؤولیت بانوان وابسته است. اگر زنان به نقش محوری خانواده در جامعه و نقش بی‌بدیل زنان در خانواده واقف باشند و از این فرصت استفاده کرده و در راستای ادای هر چه بهتر نقش خویش اهتمام داشته باشند، به سلامت و توانمندی

جامعه در تمام ابعاد، از جمله در بعد فرهنگی و تربیتی، کمک شایان کرده است. به همین دلیل، اهمیت رعایت مصالح خانواده آن قدر روشن است که به عنوان یک امر عقلی، نه تنها در اسلام و قوانین کشورهای مسلمان؛ بلکه در مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و قوانین بسیاری از کشورهای غیرمسلمان نیز مورد تأکید قرار گرفته و به خاطر حفظ مصالح خانواده، محدودیت‌ها و ضوابطی برای کار زنان وضع شده است؛ به عنوان نمونه: طبق ماده ۲۶۷ قانون مدنی سوئیس، هریک از زوجین در انتخاب شغل و انجام فعالیت‌هایش باید رعایت شخص همسر و منافع زندگی مشترک را بنمایند (صداقت، ۱۳۹۰: ۳۷۸).

#### ۴-۵. خروج از منزل با اذن شوهر

طبق نظر مشهور فقهای امامیه<sup>۱</sup>، در صورتی که کار زنان مستلزم خروج از منزل باشد، لازم است با اذن شوهر باشد. پیش‌تر فقها قایلند که زن بدون اذن شوهر جایز نیست از منزل خارج گردد؛ به عنوان نمونه: یکی از فقهای معاصر - که برای عنصر زمان و مکان نیز جایگاهی ویژه در استنباط احکام قایل است و یکی از نهضت‌های بزرگ اسلامی دوران معاصر را رهبری کرده و موفق به تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای فقه اسلامی نیز شده است و بر اصل مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی نیز تأکید دارد - خروج از منزل را بدون اذن شوهر جایز نمی‌داند و یکی از حقوق زوج را بر زوجه، عدم خروج از منزل بدون اذن شوهر می‌داند (خمینی<sup>(ره)</sup>، ۱۳۷۹: ۲۸۸ - ۲۸۹).

برخی از فقهای معاصر، عدم جواز خروج زوجه از خانه بدون اذن شوهر را موقوف به عدم منافات داشتن آن با حق استمتاع شوهر دانسته؛ هر چند احتیاط را در عدم خروج به طور مطلق می‌دانند (خویی، بی تا، ج ۲: ۲۱). برخی دیگری از فقها - برخلاف نظر مشهور - معتقداند که مانعی نیست زن بدون اذن شوهر از منزل بیرون رود؛ به شرط آن که حق شوهر در روابط جنسی ضایع نشود (فضل‌الله، ۱۳۸۲: ۶۵). سید حسن فضل‌الله در این باره می‌نویسد: «چون ریاست خانواده بر عهده مرد می‌باشد، از باب مدیریت خانواده، اذن مرد شرط شده است.

۱. به نظر می‌رسد نظر مشهور در دیگر مکاتب فقهی نیز مشروط بودن جواز خروج زن از منزل به اذن شوهر است. به دلیل این که نگارنده احاطه بر دیگر مکاتب فقهی ندارد، از انتساب این نظر به آنان اجتناب شده است.

مرد حق ندارد بدون دلیل از اشتغال زن منع کند. در این زمینه لازم است که مرد در صورت عدم مفسده و وجود مصلحت بالاتر، به زن اجازه کار دهد. مرد حق ندارد زن را در حبس ابد نگهدارد؛ زیرا با قاعده «امساک به معروف و معاشرت به معروف»، که از دیدگاه قرآن کریم باید بر زندگی زناشویی حاکم باشد، سازگاری ندارد» (فضل الله، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

در ماده ۱۲۲ بند ۱ قانون مدنی افغانستان آمده است: «زوجه بدون اجازه زوج یا به غیر مقاصد جایز از مسکن خارج گردد، نفقه ساقط می‌گردد.» پس اصولاً از نظر قانون مدنی، خروج زوجه بدون اذن زوج جایز نیست و در صورت خروج بدون اذن، ضمانت اجرایی آن عدم استحقاق نفقه است. از این جهت می‌توان گفت که قانون مدنی نیز با فتوای مشهور فقهاء هم‌خوانی دارد و اذن مرد را در خارج شدن از مسکن برای کار شرط دانسته است. البته قانون احوال شخصیة شیعیان افغانستان، در ماده ۱۲۳، بند ۲، خروج زن از منزل را برای مقاصد مشروع و متعارف مجاز دانسته است؛ بنابراین، از نظر این قانون، خروج زن از منزل برای کار منوط به اذن مرد نخواهد بود؛ مگر این که کار مشروع و متعارف نباشد.

## ۵-۵. توجه به توانمندی طبیعی زنان (تناسب محوری)

زن به لحاظ ساختار طبیعی، موجودی ظریف و لطیف است. این لطافت، نقش‌ها و مسئولیت‌های متناسب خود را می‌طلبد و با کارهای سخت و توان‌فرسا سازگاری ندارد. در وصیت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> به فرزند عزیزش امام حسن<sup>(ع)</sup> آمده است: «و امگزار زن‌ها را در زندگی خودشان به اموری که سنگین‌تر از حدود توانایی آنان باشد، تا به حال خوش و وسعت قلب زندگی کرده و جمال سیمای آن‌ها باقی باشد و متوجه باشید که زن چون ریحانه لطیف است و قهرمان و ورزشکار نیست تا مقاومت امور سخت و سنگین را داشته باشد»<sup>۱</sup>. شاید از آیه شریفه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»<sup>۲</sup>، نیز بتوان استفاده کرد که تناسب محوری از شرایط اشتغال زنان است. بر اساس این آیه شریفه، مجازدانستن کارهای سنگین و طاقت‌فرسا، که خارج از توان زنان است، نه تنها دفاع از حقوق زنان نیست؛ بلکه ظلم نابخشودنی در حق

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۰۶؛ اصول کافی، باب اکرام الزوجه.

۲. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود (سوره بقره، آیه ۲۸۶).



آنان به‌شمار می‌رود. مبنا قرار گرفتن تفاوت‌های تکوینی زن و مرد در تقسیم کار میان آن دو، در قانون کار افغانستان، نیز مورد قبول قرار گرفته است؛ به‌عنوان نمونه: در ماده ۱۲۰ قانون کار افغانستان آمده است: «استخدام زنان به کارهای فیزیکی ثقیل مضر صحت و زیرزمینی جواز ندارد».

اساساً، تفاوت در استعدادها و تقسیم کار متفاوت در برخی موارد به‌صورت طبیعی انجام شده و مقاومت در برابر آن، شنا برخلاف مسیر آب و مبارزه با قوانین طبیعی به‌حساب می‌آید. با توجه به تفاوت‌های فیزیولوژیکی و روانی زنان و مردان، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این تفاوت‌ها مقتضی این نیست که باید شغل‌های مردان و زنان نیز متفاوت باشند؟ به‌صورت قطع می‌توان گفت که تفاوت‌های جسمانی و روانی زن و مرد می‌توانند حتی مبنای عقلی برای تقسیم وظایف میان زن و مرد قرار گیرد؛ زیرا اگر این تفاوت‌ها در امر اشتغال ملاحظه نشود، در حقیقت نسبت به زنان جفا شده است. به همین دلیل، تقسیم کار در نظام حقوق و تکالیف اسلامی، در واقع یک امر ارشادی بوده و اشاره به اقتضائات درونی و فطری آنان دارد (واثق، ۱۳۹۰: ۳۴۹-۳۴۸؛ صداقت، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

## بنیاد اندیشه

تأسیس ۱۳۹۴

### ۶. راه‌کارها

با توجه به اصل جواز اشتغال زنان از منظر اسلامی و قوانین افغانستان، هم‌چنین با توجه به ضرورت‌های فردی، ملی و بین‌المللی که برای اشتغال زنان در افغانستان وجود دارد، از سوی دیگر با در نظر داشت آسیب‌های هشداردهنده اشتغال زنان و شرایط و محدودیت‌های شرعی و قانونی که برای آن وجود دارد، با یک نگاه جامع و متوازن می‌توان راه‌کارهای ذیل را برای حل مشکلات اشتغال زنان در افغانستان ارائه نمود.

#### ۱-۶. اصلاح فرهنگ اشتغال

همان‌گونه که بیان گردید، آمارها حاکی از آن هستند که اشتغال زنان در بیرون از خانه گاهی تفنی و با انگیزه‌های منفی صورت می‌گیرد. در افغانستان مردان و زنان نیازمند کار

و شغل ندارند؛ اما زنان مرفه و بی‌نیاز فرصت‌های شغلی فراوان را تصاحب نموده‌اند. این روند نه با ارزش‌های دینی و نه با ضرورت‌های ملی سازگاری ندارد. وضعیت موجود اولاً، برخلاف نظام اقتصادی و حقوقی اسلام است که اشتغال بیرونی و مسؤولیت مخارج خانواده را بر دوش مردان گذاشته است؛ ثانیاً، برخلاف اصل قیومیت مرد در خانواده است که اصلی‌ترین عامل تضمین‌کننده آن انفاق بر اعضای خانواده می‌باشد؛ ثالثاً نه تنها ظلم در حق مردان بی‌کار؛ بلکه ظلم در حق زنان حقیقتاً نیازمند اشتغال نیز هست؛ بنابراین، از اساسی‌ترین راه‌حل‌های مشکلات موجود این است که هم دولت و هم نهادهای دینی و مدنی، تلاش کنند در یک تعامل سازنده فرهنگ موجود را اصلاح نموده و فرهنگ سالم اشتغال را در جامع توسعه دهند. دولت با قانون‌گذاری دقیق، برنامه‌ریزی جامع، نظارت جدی و تبلیغات سالم رسانه‌ای، عالمان و نهادهای دینی با بیان احکام شرعی، تعمیق باورهای دینی مردم و ترویج ارزش‌های اخلاقی، نهادهای مدنی با رعایت احکام شرعی و قوانین دولتی و هم‌چنین توجه به نیازهای اساسی جامعه، هرکدام می‌توانند گام‌های اساسی و تعیین‌کننده در جهت اصلاح فرهنگ اشتغال بردارند. این راه‌کار چون فرهنگی و بنیادی است، زمان‌بر نیز هست.

## ۲-۶. اولویت دادن به اشتغال بانوان نیازمند کار

دولت و نهادهای مدنی اولاً، باید فرصت‌های شغلی موجود را در اختیار زنان حقیقتاً نیازمند اشتغال، هم‌چون زنان سرپرست خانواده و زنان خانواده‌های نیازمند، قرار دهند و اشتغال این‌گروه از زنان را در اولویت قرار دهند؛ ثانیاً، تلاش نمایند با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، زمینه اشتغال زنان متخصص و تحصیل‌کرده را، که جامعه به تخصص آنان نیاز دارد، فراهم نمایند.

## ۳-۶. ایجاد شغل‌های مناسب در درون خانواده

از راه‌کارهایی که هم در جهت تأمین نیازمندی‌های زنان جویای کار و هم در کاهش آسیب‌های ناشی از اشتغال زنان، فوق‌العاده تأثیرگذار می‌باشد، ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان در درون خانواده‌ها است؛ به‌عنوان نمونه: با ایجاد بازارکار برای شغل‌هایی هم‌چون

خیاطی، گلدوزی، بافندگی کارهای دستی، نقاشی و غیره، هم می‌توان برای زنان در خانه‌ها زمینه اشتغال و درآمد را فراهم ساخت، هم می‌توان از آسیب‌های دوری زنان از خانواده و آسیب‌های اخلاقی دیگر جلوگیری نمود و هم می‌توان هزینه‌های تولید را کاهش داد.

#### ۴-۶. تناسب محوری در ایجاد شغل‌ها

با توجه به اصل تناسب محوری، در صورت ضرورت داشتن اشتغال زنان در بیرون از خانواده، اصل تناسب شغل با نیازمندی‌ها و توانمندی‌های زنان حتماً باید لحاظ گردد. نهادهای متصدی اشتغال زنان، به‌خصوص دولت و نهادهای مدنی، تلاش کنند اشتغال زنان را به سمت‌وسویی سوق دهند که با توانمندی و استعداد بانوان سازگاری داشته باشد، تا زنان نیازمند اشتغال مجبور نباشند به شغل‌های سنگین و کاملاً مردانه روی آورند؛ به‌عنوان مثال: پرستاری، معلمی، مربی‌گری، بسته‌بندی مواد غذایی، ریسندگی، صنایع دستی و غیره، از شغل‌هایی هستند که با توانایی‌های زنان سازگاری دارند.

#### ۵-۶. اولویت دادن به شغل‌های نیمه‌وقت

از راه‌کارهای تأمین نسبی ضرورت‌های اشتغال زنان و کاهش آسیب‌های آن، اولویت دادن به شغل‌های نیمه‌وقت برای زنان است. در صورتی‌که نیاز زنان مستحق اشتغال به‌واسطه اشتغال نیمه‌وقت قابل تأمین باشد، باید به همین مقدار بسنده شود؛ زیرا اشتغال تمام‌وقت قطعاً با مصالح خانواده و تربیت عاطفی فرزندان تزاخم دارد و همان‌گونه که در بیان آسیب‌های اشتغال زنان گذشت، آسیب‌های فراوان هم برای خود زنان و هم برای خانواده‌ها به بار می‌آورد؛ در حالی‌که اشتغال پاره‌وقت، به‌خصوص اگر ساعت کار در اختیار خود زنان باشد، با مصالح خانواده تزاخم چندانی ندارد و بر خود زنان نیز فشار زیاد وارد نمی‌شود.

#### ۶-۶. توجه به ارزش‌های اسلامی در محیط کار

به‌دلیل این‌که نظام حاکم بر افغانستان جمهوری اسلامی و دین اکثر قریب به اتفاق ملت اسلام و مردم نیز شدیداً مذهبی هستند، دولت و نهادهای مدنی باید در راستای حاکمیت

ارزش‌های اسلامی در محیط اشتغال زنان، اهتمام جدی داشته باشند؛ زیرا بی‌مبالاتی‌های رایج در محیط‌های کاری زنان، علاوه بر این که ضد اخلاقی هستند و احساسات دینی مردم را جریحه‌دار می‌سازند، عامل بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی و ناامنی‌های روانی برای زنان شاغل نیز هستند و در بسیاری از موارد منجر به بزه‌دیدگی آنان می‌گردند. در این جهت دولت باید بی‌حجابی، بدحجابی، هرزگی و بی‌عفتی در محیط کار را جرم تلقی نموده و با مجازات مجرمان، جلوی ولنگاری در محیط کار را بگیرد. نهادهای مدنی نیز در این جهت باید کمال همکاری را با دولت داشته باشند.

#### ۶-۷. توجه به اصل عدم اختلاط زن و مرد در محیط کار

با توجه به این واقعیت، که احتمال بزه‌دیدگی زنان و فساد در محیط‌های مختلط بسیار بیش‌تر از محیط‌های غیرمختلط است، باید اصل حاکم بر اشتغال زنان، عدم اختلاط در محیط کار باشد و تلاش شود که اختلاط به حداقل ممکن برسد. زنان متدین نیز تلاش کنند در شغل‌یابی‌شان در پی شغل‌ها و محیط‌های غیرمختلط باشند. محیط‌های جنسیتی و غیرمختلط علاوه بر این که از ایمنی بیش‌تر برای زنان برخوردارند، بازدهی کار را نیز افزایش می‌دهند؛ زیرا در این صورت اولاً، کارمندان با فراغت ذهنی بیش‌تر به کار می‌پردازند؛ ثانیاً، از اضاعه وقت و بگومگوهای احیاناً عاشقانه نیز جلوگیری به عمل می‌آید.

#### ۶-۸. جرم‌انگاری و مبارزه با آزارهای جنسی در محل کار

از آنجایی که یکی از عوامل مهم بزه‌دیدگی زنان آزارهای جنسی؛ از قبیل شوخی‌های زننده، نگاه‌های غرض‌آلود، برخوردهای سبک و غیره در محل کار است، نهادهای قانون‌گذار باید این‌گونه آزارها را جرم تلقی کرده و راه‌کارهای قانونی جلوگیری از ارتکاب آن‌ها را پیش‌بینی نماید؛ به دلیل این که آزار جنسی در محیط کار، تا زمانی که به آخرین مرحله؛ یعنی صدمات و خشونت‌های بدنی نرسد، قابل اثبات در محاکم نمی‌باشد، علاوه بر قانون‌گذاری دقیق، دولت نیز در مقام اجرا باید نظارت جدی داشته باشد و راه‌کارهای اجرایی مناسب را طراحی کند. البته - همان‌گونه که در راه‌کار اول بیان گردید - راه‌کار اصلی از بین بردن این‌گونه

آزارها کارهای فرهنگی، تعمیق باورهای دینی، تبلیغ احکام شرعی و اخلاقی و عمل کردن به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است که باید عالمان و نهادهای دینی در این جهت فعال‌تر و پیش‌گام باشند؛ اما جرم‌انگاری و توجه به راه‌کارهای قانونی و اجرایی نیز نقش بسیار جدی در کاهش آزارهای جنسی دارد.

### ۹-۶. برخورد قاطع با سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی از زنان

با توجه به گستردگی فعالیت باندهای مافیا و انجوهای فرصت‌طلب، دولت باید با هرگونه سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی، که به تدریج در حال شیوع است، قاطعانه مبارزه نماید. در این راستا، دولت علاوه بر کارهای اطلاعاتی و شناسایی، در مقام برخورد نیز باید بدون هیچ‌گونه مسامحه با انجوهای خارجی و داخلی هنجارشکن، که ارزش‌های اسلامی را رعایت نمی‌کنند و در پی سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی از طبقه اناث هستند، برخورد نماید. دولت می‌تواند با لغو یا تعلیق جواز فعالیت این‌گونه انجوها و شرکت‌ها و همچنین اعمال مجازات‌های متناسب مالی و جزایی علیه آن‌ها، مانع اباحی‌گری و بزه‌دیدگی زنان گردد.

### ۱۰-۶. نظارت اجتماعی و احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر

نظارت اجتماعی و احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره، از راه‌کارهای اساسی کاهش آسیب‌ها به‌شمار می‌رود. اگر عالمان و نخبگان دینی، با استفاده از روش‌ها و ابزارهای نوین تبلیغ، تلاش کنند از سویی احکام شرعی اشتغال را به‌صورت جذاب و منطقی برای مردم بیان نمایند و از سوی دیگر زنان را از خطرات ولنگاری و دام‌های احتمالی که برای آن‌ها از سوی شیادان گسترانده شده است، آگاه سازند و اگر مردم نیز نسبت به احیای ارزش‌های الهی و دفاع از حقوق و شخصیت زنان احساس مسئولیت نمایند، قطعاً بسیاری از آسیب‌های ناشی از اشتغال زنان کاهش خواهد یافت.

## ۱۱-۶. دفاع از اشتغال مشروع بانوان

هرچند در اندیشه اسلامی، به دلیل نان‌آور بودن و تثبیت قوامیت مردان در خانواده، اشتغال آنان در اولویت قرار دارد؛ اما اشتغال بانوان نیز امر مشروع و در برخی موارد ضروری و حتی واجب شرعی است. با توجه به این که از اساسی‌ترین مشکلات اشتغال زنان، نگاه بدبینانه جامعه بسته افغانستان نسبت به اشتغال زنان و زنان شاغل است، دولت و نهادهای مدنی با استمداد از نهادهای دینی و مردمی، باید بکوشند فرهنگ بدبینانه جامعه نسبت به اشتغال زنان را اصلاح نموده و امنیت روانی بانوان شاغل و متدین را فراهم آورند؛ در غیر این صورت، اولاً، جامعه به شدت عقب مانده، از استعدادها و توانمندی‌های شگرف زنان متدین و با حیا محروم خواهد شد؛ ثانیاً این دسته از بانوان ناگزیرند برای فرار از اتهام و نگاه بدبینانه جامعه، خانه‌نشینی را اختیار کنند؛ ثالثاً، بازار کار در دست افراد هنجارشکن و بی‌مبالات قرار می‌گیرد.

## ۱۲-۶. تأمین نیازهای اساسی زنان نیازمند

هرچند پیشنهاد تأمین نیازهای زنان بی‌سرپرست برای دولت کنونی به شوخی بیش‌تر شباهت دارد تا این که یک راه کار به‌شمار آید؛ لیکن بر اساس ماده ۵۳ قانون اساسی، دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن‌سالان، زنان بی‌سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی‌بضاعت، مطابق به احکام قانون، کمک لازم به‌عمل می‌آورد. اگر دولت به وظیفه خود عمل کند و نهادهای مدنی نیز در این جهت دولت را یاری نمایند، علاوه بر حل شدن مشکلات معیشتی بانوان نیازمند، به حل مشکلات اشتغال کشور نیز کمک خواهد شد؛ زیرا- همان‌گونه که در بخش ضرورت‌ها بیان گردید- تعداد زیادی از بانوان از سر فقر و نداری ناچار می‌شوند به کارهای سخت و توان‌فرسای بیرون از خانه تن دهند.

## ۱۳-۶. توجه شایسته به نقش غیرمستقیم زنان در توسعه

علاوه بر نقش مستقیم زنان در سلامت، رفاه و توسعه جوامع بشری، از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش آنان تأثیرگذاری غیرمستقیم و از درون خانواده است که شاید اهمیت و تأثیرگذاری بیش‌تر از حضور مستقیم در جامعه داشته باشد. در واقع، این نقش ارزشمند زن

در سلامت و ترقی جامعه، شبیه نقش افرادی است که در پشت صحنه‌های فیلم قرار دارند و گرداننده افرادی هستند که در روی صحنه فیلم بازی می‌کنند. هرچند مردم تنها افراد روی صحنه را می‌بینند؛ اما نقش اصلی را افراد پشت صحنه بازی می‌کنند. در جامعه نیز هرچند مردم مردان موفق را می‌بینند؛ اما پشت صحنه این موفقیت‌ها، مادران و همسران دلسوزی هستند که زمینه موفقیت این افراد را فراهم نموده‌اند. اگر به نقش‌های برجسته زنان در درون خانه توجه شایسته صورت گیرد، قطعاً نگاه جامعه نسبت به زنان و جایگاه آنان اصلاح خواهد شد. در این صورت، نه تنها مردان متوجه عظمت نقش‌های برجسته زنان خواهند شد و به کارهای بزرگ آنان در خانه به دیده منت و عظمت نگاه خواهند کرد؛ بلکه زنان نیز متوجه ارزش معنوی و مادی کارهای خود می‌شوند و دیگر عطش‌ها برای اشتغال تفریحی در بیرون از خانه فروکش خواهد کرد. در این صورت، در کنار توجه به ضرورت‌ها و ارزش اشتغال زنان در بیرون از خانه، به ضرورت‌ها و ارزشمندی حضور زنان در خانواده نیز عطف توجه خواهد شد. در نتیجه علاوه بر این‌که از آسیب‌های اشتغال در امان می‌مانند، فرصت‌های شغلی اشغال‌شده توسط این دسته از بانوان نیز در اختیار کارگران مستحق و جویای کار قرار خواهند گرفت.

## بنیاد اندیشه

### ۱۴-۶. توجه شایسته به خانواده محوری و ارزش مادی و معنوی کارهای زنان در خانه

در میان نهادهای اجتماعی، «خانواده» مقام مهمی دارد. خانواده پایه اصلی جامعه است و اولین نهادی است که انسان پس از تولد به عضویت آن درمی‌آید. خانواده کانون آسایش، پرورش و بهترین بستر برای تکامل افراد است. خانواده زیربنای اجتماع بزرگ بشری است و سلامت، توسعه و ترقی آن بستگی تام به سلامت و ترقی خانواده دارد. اگر از خانواده‌ها پاسداری شود، از مناسب‌ترین بستر تکامل بشر پاسداری شده است. اگر بپذیریم که از اساسی‌ترین آسیب‌های اشتغال زنان متزلزل شدن نهاد مقدس خانواده است، از مهم‌ترین راه‌کارهای جلوگیری از این آسیب‌ها، توجه شایسته به خانواده و ارزش معنوی و مادی کارهای زنان در درون خانه است. عالمان و نهادهای دینی باید اجر و پاداش معنوی

بی حساب کار زنان در خانه را بیان کنند و به ارزش مادی کارهای زنان در خانه توجه دهند. نهادهای دولتی و مدنی نیز باید با توجه به این ارزش‌های معنوی و اقتصادی بی حساب و نیز با توجه به نص قانون اساسی، برای استحکام خانواده و رفاه هرچه بیش‌تر زنان در خانه، سرمایه‌گذاری‌های کلان و جدی انجام دهند.

## نتیجه‌گیری

از نظر اسلام و قوانین افغانستان، اصل در اشتغال زنان جواز است. ضرورت‌های فردی، ملی و بین‌المللی نیز اشتغال زنان را به یک امر ضروری و غیرقابل اجتناب تبدیل کرده است؛ لذا به جای تحریم، باید اصل اشتغال زنان را به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی و بلکه به‌عنوان یک فرصت پذیرفت و برای به حداقل رساندن آسیب‌ها و مفسده‌های آن تلاش نمود؛ به‌خصوص این‌که در افغانستان به‌خاطر سال‌ها جنگ و کشتار، زنان سرپرست خانوار و نان‌آور خانواده بسیار زیاد است و فراهم آمدن فرصت‌های شغلی برای این بانوان می‌تواند رفاه زندگی و نجات از نکبت فقر را به همراه داشته باشد. اساساً رفاه اجتماعی و تصدی بسیاری از مشاغل بدون حضور زنان در بازار کار امکان‌پذیر نیست؛ بلکه حضور زنان در برخی از شغل‌ها، مانند معلمی، پزشکی، بهداشتی و غیره، نه تنها یک ضرورت اجتماعی؛ بلکه یک وظیفه مهم دینی نیز به حساب می‌آید؛ چنان‌که اجرایی شدن برخی احکام اسلامی، ضرورت حضور زن را در برخی عرصه‌ها و شغل‌ها می‌طلبد.

مهم‌تر از همه این‌که افغانستان یک کشور خراب‌شده، فقیر و به‌شدت نیازمند مشارکت آحاد مردم- اعم از زن و مرد- در بازسازی و توسعه آن است؛ از این‌رو، فراهم شدن زمینه‌های اشتغال و بهره‌وری از توانمندی نصفی از نیروهای انسانی کشور می‌تواند نقش بسیار تعیین‌کننده در توسعه آن داشته باشد. بدون شک از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی افغانستان از کاروان علم، صنعت و پیشرفت، محروم کردن نصفی از نیروهای انسانی جامعه از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و غیره، بوده است. اگر افغانستان بخواهد به کاروان علم، صنعت و پیشرفت بپیوندد، بدون حضور و مشارکت فعال زنان چنین چیزی



غیرممکن خواهد بود. به همین دلیل است که در جهان امروز، حضور و مشارکت زنان در امر توسعه یک ضرورت عینی و اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود. البته، بر هیچ منصفی پوشیده نیست که اشتغال زنان همواره آسیب‌های فراوانی را نیز به همراه دارد، که در کشور جنگ‌زده افغانستان، از کثرت و شدت بیش‌تری نیز برخوردار است. این آسیب‌ها برخی از لوازم اشتغال زنان و عمده آن‌ها، ناشی از ضعف دولت، تعرضات فرهنگی غرب، حضور انجوه‌های سودجو و فرصت‌طلب و باندهای مافیایی است. انفعال و رخوت نهادهای دینی نیز در بروز و گسترش این آسیب‌ها مؤثر بوده است.

با توجه به آسیب‌های شدیدی که اشتغال زنان در پی دارد، در نظر داشتن شرایطی که شرع مقدس اسلام و قوانین افغانستان برای اشتغال در نظر گرفته است، لازم و ضروری است. در دین مبین اسلام اولاً، مبنای تنظیم نقش‌ها و مسؤولیت‌ها را عدالت و تناسب می‌داند. شکل می‌دهد؛ ثانیاً، نهاد مقدس خانواده به‌مثابه هسته مرکزی توسعه جوامع انسانی و زن رکن رکین آن در نظر گرفته شده است؛ ثالثاً، رعایت ارزش‌ها و هنجارهای دینی مقدم بر اشتغال است؛ رابعاً، حمایت‌های مالی بی‌ظنیری برای زنان لحاظ شده است؛ از این‌رو، اشتغال زنان نسبت به اشتغال مردان از قیودات و محدودیت‌های بیش‌تری برخوردار می‌باشد. به علاوه، توجه به این امر نیز بسیار مهم است که در نظام حقوقی واقع‌بینانه و تناسب‌محور اسلام، علاوه بر شرایط و محدودیت‌هایی که برای اشتغال زنان و انتخاب نوع شغل وجود دارد، به‌خاطر قیّم و سرپرست بودن مردان، اشتغال زنان در اولویت بعدی قرار دارد. این امر نه تنها تضییع حقوق زنان نیست؛ بلکه با توجه به اقتضائات تکوینی زن و مرد، کاملاً در جهت حمایت از حقوق آنان می‌باشد.

اگر دولت، نهادهای مدنی و نهادهای دینی افغانستان در یک تعامل سازنده برای کاستن از آسیب‌های اشتغال زنان با همدیگر هم‌فکری و همکاری نمایند، راه‌کارهای عملی بلندمدت و کوتاه‌مدت برای این مشکلات وجود دارد. مهم‌ترین راه‌کار، اصلاح فرهنگ اشتغال با توجه به ارزش‌های اسلامی و واقعیت‌های اجتماعی و مبارزه با تهاجم فرهنگی است که نخبگان و عالمان دینی باید در این جهت پیش‌گام باشند. راه‌کار اساسی دیگر این است که دولت علاوه

بر فعالیت‌های فرهنگی، با وضع قوانین و اتخاذ اقدامات اجرایی و نظارتی لازم، مشکلات امنیتی زنان شاغل را حل نموده و جلو سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی انجوها و باندهای مافیایی را بگیرد. عالمان دینی و متدینین نیز علاوه بر بیان و تبلیغ احکام شرعی اشتغال زنان، باید با اتخاذ موضع فعال، فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر را احیا نمایند. توجه ویژه به زنان سرپرست خانوار، اولویت دادن به اشتغال نیمه‌وقت و فراهم ساختن زمینه اشتغال در درون خانه‌ها، هم‌چنین توجه شایسته به ارزش‌های معنوی و اقتصادی کارهای زنان در خانه و نقش غیرمستقیم آنان در توسعه، از دیگر راه‌کارهای مهم و مؤثر است.

## منابع

۱. احمدی، حدیثه (۱۳۸۹)، حقوق زوجین، ج ۳، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۲. احمدی، عیدمحمد و قاسم‌علی صداقت (۱۳۸۸)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (با تأکید بر قانون اساسی افغانستان)، ج ۱، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۳. اسفندیار، سرور (۱۳۸۴)، اشتغال زنان در بستر خانواده و ارتباط آن با طلاق، مجله علمی حوراء، شماره ۱۸، آذرماه.
۴. اسکندری، عبدالکریم (۱۳۸۷) حمایت از بزه‌دیدگان در قوانین افغانستان و اسناد بین‌الملل، مجله مطالعات حقوقی، قم، س ۳، ش ۹.
۵. اسکندری، عبدالکریم (۱۳۸۹)، بزه‌دیدگی زنان در افغانستان ریشه‌ها و راه‌کارها، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۳، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۶. توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی کار و شغل، تهران، انتشارات سمت.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، فلسفه حقوق بشر، قم، مرکز نشر اسراء.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، وسایل الشیعه، بیروت، نشر دار الاحیاء التراث العربی.
۹. حسنات، یاسمین (۱۳۸۹)، حضور نامناسب زنان در بازار کار، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۳، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۱۰. خویی، سیدابوالقاسم (بی‌تا)، منهاج‌الصالحین ج ۲، بی‌جا.
۱۱. دهقان، محمدصادق (۱۳۸۹)، نگاهی به وضعیت زنان در فرایند توسعه اجتماعی افغانستان، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۲، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۱۲. راغب اصفهانی (۱۴۱۶)، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: صنوان عدنان داوودی، دارالعلم دارالشامیه.
۱۳. سعیدزاده، محسن (۱۳۷۴)، مشاغل زنان در عصر رسالت، مجله پیام زن، شماره ۳۸، اردیبهشت.

۱۴. سها، نادر (۱۳۸۹)، حقوق زنان افغانستان در حوزه حقوق خصوصی، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۳، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۱۵. شریفی، عصمت‌الله (۱۳۸۹)، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی، چالش‌ها و راه‌کارها، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۲، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۱۶. شریفی، علی‌رضا (۱۳۸۹)، سیاسی کردن مسأله زنان و پیامدهای آن، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۲، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۱۷. شفايي، عبدالله (۱۳۸۹)، بررسی حقوق خانواده در پرتو اخلاق، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۳، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۱۸. صداقت، قاسم‌علی (۱۳۹۰)، حق کار زنان از منظر اسلام و قوانین جمهوری اسلامی افغانستان، شرایط و محدودیت‌ها، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۵، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۱۹. طوسی (بی‌تا)، کتاب الخلاف، ج ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۰. علی آقابخشی و مینو افشاری‌راد (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار.
۲۱. علویون، محمدرضا (۱۳۸۰)، کار زنان در حقوق ایران و بین‌الملل، تهران، انتشارات روشنفکر و مطالعات زنان، چاپ اول.
۲۲. فضل‌الله، محمدحسین (۱۳۸۲)، اسلام، زن و جستاری تازه، ترجمه مجید مرادی، قم، بوستان کتاب.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، نشر دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۴. محسنی (حکمت)، محمدآصف (۱۳۸۷)، جریان‌شناسی فمینیسم در جمهوری اسلامی افغانستان، تهران، دبیرخانه دومین همایش جهانی زنان.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴)، مجموعه آثار، ج ۱۹، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پنجم.
۲۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
۲۷. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، صحیفه نور، ج ۸، قم، مؤسسه نشر آثار.
۲۸. نورمحمدی، معصومه‌سادات (۱۳۹۰)، تدابیر سیاست جنایی افغانستان در قبال بزه‌دیدگی زنان، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۵، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۲۹. نوری، نجیب‌الله (۱۳۸۹)، سلامت روانی زنان افغانستان، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان، ج ۳، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۳۰. نیکوبرش‌راد، فرزانه (۱۳۸۵)، نگرشی به اشتغال زنان در مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه، فصلنامه تخصصی بانوان شیعه، شماره ۹، پاییز.
۳۱. واثق غزنوی، قادرعلی (۱۳۹۰)، اشتغال زنان؛ مبانی، انگیزه‌ها، پیامدها و راه‌کارها، مجموعه مقالات همایش زنان در افغانستان؛ فرصت‌ها، چالش‌ها و راه‌کارها، ج ۵، قم، انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص).
۳۲. ویل دورانت (۱۳۷۴)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب‌خویی، تهران، نشر علمی و فرهنگی.